

کتاب زکریا

پیشگفتار

این حرکت را تحکیم می بخشد، چه با دعوتش به وفاداری و چه با وعده های مربوط به آینده. در اثر تلاطمات سیاسی ای که امپراطوری داریوش را به لرزه در آورده بود (ر.ک. مقدمه حجی)، چندین گروه از تبعیدیان با امید بسیار از بابل به اورشلیم آمدند (۲: ۱۰-۱۳؛ ۶: ۱۰): اما خیلی زود به علت برخی مشکلات ناشی از جا افتادن در جامعه دلسرد شدند (۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۶-۱۷). با برقراری تدریجی آرامش در جهان (۱: ۱۱)، امید به تغییری سریع رنگ باخت، دلسردی بر دل ها مستولی شده بود.

تقریباً چیزی درباره شخص زکریا نمی دانیم. او در پس اثرش ناپیدا است. آمده که او نوه عدو (۱: ۱ و ۷: ۱) یا حتی پسر عدو (عز ۵: ۱؛ ۶: ۱۴؛ و تارگوم) می باشد؛ به نظر می رسد که در حدود سال ۵۰۰ ق.م. هنوز رئیس خانواده کهناتی عدو بوده است (نخ ۱۲: ۱۶). مقام کاهنی او پافشاری او را بر نقش معبد توجیه می کند. همچنین جزو وظایف کاهنان بود که به سؤالات آیینی پاسخ دهد، نظیر آنچه که از زکریا در خصوص ادامه یا قطع روزه های یادآوری سؤال شد (۷: ۱-۳؛ ۸: ۱۸-۱۹). و بالاخره دغدغه پاکی و تقدس زمین مقدس (۲: ۱۶؛ ۵: ۱-۴؛ ۵: ۱۱) کاملاً با نگرش کاهنان سازگار است.

کتاب زکریا را مانند کتاب اشعیا، دیگر نمی توان به یک نبی واحد نسبت داد. فصل های ۱ تا ۸ مشخصاً با فصل های ۹ تا ۱۴ تفاوت دارد و کتابی کاملاً متمایزی را تشکیل می دهد که به زکریای نبی، معاصر با حجی، پس از بازگشت از تبعید نسبت داده شده است. بخش دوم اثر نویسنده ای متأخرتر است که عموماً او را زکریای دوم می نامند. خصوصیات این دو اثر ارزش آن را دارند که به طور مجزا مورد بررسی قرار گیرند.

الف) زکریا ۱-۸

۱. نبی

فعالیت زکریای نبی که پیامش در فصل های ۱ تا ۸ کتابی که نام او بر خود دارد، به دست ما رسیده، از فاصله ای نزدیک فعالیت حجی نبی را دنبال می کند. نخستین ظهور او بر صحنه مربوط به ماه های اکتبر-نوامبر سال ۵۲۰ ق.م. می گردد (۱: ۱)، یعنی یک ماه پیش از آخرین وحی حجی (حجی ۲: ۱۰، ۲۰). خدمت او لااقل تا ماه نوامبر سال ۵۱۸ ق.م. (۷: ۱) ادامه می یابد، یعنی سه سال پیش از تقدیس معبد جدید در سال ۵۱۵ ق.م.

حجی موفق شده بود در مردم بیداری مذهبی ای پدید آورد (حجی ۱: ۱۴). زکریا

دوم و سوم تصریح شده است: ۱:۲-۹. فصل ۳، آیات ۸ و ۹ و ۱۰ شامل وعده‌ای است خاص به یهوشع، کاهن اعظم، پس از رؤیای اعطای منصبش: ۱:۳-۷ و ۹a. آیات ۴:۶b-۱۰a اطمینانی خاص به زروبابل، حاکم یهودیه، می‌بخشد و این گفتار در رؤیای مربوط به بزرگان جامعه جدید گنجانده شده است (فصل ۴).

طرح این کتابچه بسیار موزون است: سه رؤیای نخست (اسب سواران، آهنگران، و ریسمان اندازه‌گیری) بیانگر مراحل مقدماتی سامان‌یابی مسیحایی است؛ دو رؤیای میانی (لباس پوشی یهوشع، و دو فرد مسح شده) مربوط به حکومت جامعه جدید می‌باشد؛ و بالاخره، سه رؤیای آخر (طومار، زنی در ایفه، و ارابه‌ها) یادآور وضعیت سامان‌یابی غایی است.

اما باید توجه داشت که رؤیای چهارم، یعنی لباس پوشی کاهن اعظم، دارای خصوصیات ادبی و الهیاتی ویژه‌ای است. این رؤیا جایگاهی مقدم برای کاهن قائل می‌شود، حال آنکه رؤیای بعدی، هر دو مسح شده را به برابری مورد توجه قرار می‌دهد. احتمال دارد که این رؤیای چهارم بعدها به کتابچه افزوده شده باشد، کتابچه‌ای که در اصل، فقط شامل هفت رؤیا بوده است. این تغییر بیانگر اهمیتی است که مقام کاهنان پس از درگذشت زوروبابل احراز کرده، زوروبابلی که از خاندان داود بود. تحوّل مشابه در ۶:۹-۱۴ (۱۵) ظاهر می‌شود که در آن، تاج در اصل برای زوروبابل تهیه شده بوده است.

کتابچه رؤیاها که این چنین تکمیل شده، محصور در موعظه‌ها (۱:۱-۶:۷-۱۴) و

اما این کاهن مستقیماً وارد سلسله روحانی انبیای قدیم می‌گردد. او فراخوان به توبه را که ایشان وعظ می‌کردند، از سر می‌گیرد: ۱:۳-۶؛ ۷:۴-۱۴؛ ۸:۱۶-۱۷ و به واسطه برخی از عاریت‌های ادبی، به آنان می‌پیوندد. در خصوص رؤیاها، از چندین نبی پیشین تبعیت می‌کند، نظیر عا ۷ برای کل اثر؛ حزق ۳:۴۰-۷ برای فرشته‌ای که اندازه می‌گرفت؛ حزق ۲:۹-۱۰ برای طومار پرنده. سنت بارها بر این خصلت نبوتی تأکید کرده تا به وزن پیام او بیفزاید: ۲:۱۳؛ ۲:۱۵؛ ۴:۹؛ ۶:۱۵. افسانه‌ها نیز حتی از شخصیت او شهیدی ساخته اند (مت ۲۳:۳۵) اما به واسطه اشتباه گرفتن او با زکریای دیگری که سر یهویداع بود و به دستور یوآش پادشاه به قتل رسید (۲-توا ۲۴:۲۰-۲۲).

۲. کتاب

بخش عمده کتاب متشکل از شرح هشت «رؤیا» است که نوعی گزارش است که به ضمیر اول شخص نوشته شده و از پیش برقراری قطعی جامعه را توصیف کرده است. این شرح که بعدها تکمیل شده، می‌تواند اثر خود نبی تلقی شود. تاریخ دقیق آن نیز در ۱:۷ مشخص شده، که مقارن است با اواسط فوریه سال ۵۱۹ ق.م. و حاوی مرحله مهمی از موعظه نبی است و تمام کتاب حول و حوش آن شکل گرفته است.

این کتابچه رؤیاها را چندین وحی قطع می‌کند که به رویدادهای آن زمان مرتبط است. بدینسان، ۲:۱۰-۱۷ شامل فراخوانی است خطاب به تبعیدیان تا به شهر ملحق شوند، شهری که وضعیت جدیدش در رؤیای

وعده‌های مربوط به آینده (۸: ۱-۱۷ و ۲۰-۲۳) می‌باشد. این وعده‌ها در پیرامون سؤالی مربوط به روزه‌های یادآوری مرتبط به مصائب سال ۵۸۷ ق.م. گردآوری شده‌اند. این موعظه‌ها و وحی‌ها به دست شاگردان نبی جمع‌آوری و خلاصه شده‌اند، حتی وحی‌ای نسبتاً متأخر نظیر ۸: ۲۰-۲۳ به این شکل، پیام زکریا همواره برای نسل‌های بعدی زنده باقی مانده است.

۳. پیام

پیام کتاب زکریا شامل دو نکته است. نخست، نبی تحولی را در نحوه بیان مداخلت‌های خدا در میان انسان‌ها ابراز می‌دارد. خدا با انبیای بزرگ پیش از تبعید، مستقیماً ارتباط برقرار می‌کند، خواه به واسطه کلامش، خواه نیز به واسطه رؤیاهایی که خودش در آن مداخلت دارد. او در آن واحد، خدای مقدس و فرابود و کسی است که خودش جریان رویدادها را در دست دارد. اما نزد زکریا، بیشتر به نظر می‌رسد که خدا از صحنه مسائل زمینی به دور است. اگر هم رؤیایی می‌دهد، خودش در آن دیده نمی‌شود، بلکه فرشته‌ای مأمور می‌شود تا اهداف الهی را توضیح دهد. طرح‌های خدا از طریق واسطه‌ها تحقق می‌یابد (نظیر فرشته‌ها و اسب سواران).

این دوری خدا نسبت به جهان بی‌گمان بیانگر دغدغه‌ای است برای روحانی کردن امور، اما در ضمن بیشتر مربوط می‌شود به تجربه‌ای اگزستانسبل، تجربه غیبت خدا. سختی‌های تبعید و مشکلات عظیم زمان حال (فقر و دلسردی) این سؤال را مطرح می‌کند

دوم، و به شکلی کلی‌تر، زکریا در خدمت امید نیز می‌باشد. به جامعه‌ای که مشکلات مادی و دلسردی می‌توانست آن را به سوی شک یا تسلیمی منفعل سوق دهد، نبی امیدی می‌دهد که ریشه در عمل دارد. بازسازی معبد و تنظیم مجدد امور عبادی ارزشمند، روشی ملموس برای انتظار کشیدن نجات است. برقراری عصر مسیحایی به این قیمت است. خود ملت‌ها هم در آن سهم خواهند بود (۲: ۱۵؛ ۸: ۲۰-۲۳). این نجات در آستانه در است: زروبا بل حتی کسی تلقی می‌شود که آن را افتتاح خواهد کرد. از هم اکنون تاجگذاری نمادین او (۶: ۹-۱۴)، نشانه‌ای است از این امر.

اما شخصیت دومی با او شریک می‌شود و به طور برابر، با او همکاری می‌کند (۴: ۱۴؛ ۶: ۱۳)، و این کسی نیست جز کاهن اعظم. بدینسان انتظار حکومتی با دو رهبر سر بر می‌آورد، حکومتی که میان کاهن و رهبر سیاسی تقسیم شده؛ و این اندیشه در الهیات قرون وسطی، برای توجیه اصل جدایی قدرت‌های مدنی و کلیسایی به کار خواهد رفت. پس از درگذشت زروبا بل این انتظار تغییر خواهد کرد و نقش مسیحایی را متمرکز

«داده‌های ادبی» این بخش نیز کاملاً متفاوت است. رؤیاهای وحی‌های کوتاه مسیحایی خطاب به زروبا بل و یهوشع یا تمامی قوم، جای خود را به تحولاتی گسترده‌تر با حالتی حماسی خاص داده است؛ نبی که در بخش اول سخن می‌گفت، دیگر در بخش دوم ظاهر نمی‌شود و همین امر در مورد فرشته تعبیر کننده صدق می‌کند. بعضی از اصطلاحات خاص بخش اول دیگر در بخش دوم دیده نمی‌شود. یا خیلی کم دیده می‌شود. و بالعکس. وانگهی، این فصل با عنوان جدیدی آغاز شده (۱:۹)، و تکرار می‌شود (۱:۱۲) و ملا (۱:۱)؛ این نشانه‌ای است از منشأ خاص بخش‌های پایانی جنگ دوازده نبی.

۲. معمای ادبی فصل‌های ۹-۱۴

ترتیب پیچیده قطعات مختلفی که جنگ کنونی را تشکیل می‌دهد، باعث شده که بعضی آن را مجموعه‌ای در هم تنیده از بخش‌های مستقلی بدانند که نوعی انتظار مسیحایی آنها را به هم پیوند داده. اما بر عکس، برخی دیگر کوشیده‌اند آن را ساختار ادبی دشوار اما کاملاً موزونی تلقی کنند. چند خصوصیت مشترک در اشعار فصل‌های ۹-۱۱ وجود دارد که در آنها، اشارات تاریخی و روابط جامعه با سایر قوم‌ها، احتمالاً نشان از رد پای نویسندگان یا محفلی مشخص دارد. فصل‌های آخر که عمدتاً به نثر است و بیشتر دغدغه تحول درونی جامعه را دارد، می‌تواند منشأ متفاوتی داشته باشد. با استفاده از تمامی این قطعات که بعضی از آنها ممکن است متعلق به دوره پیش از تبعید باشد (۹:۹-۱۰:۱؛ ۱۰:۱-۲؛ ۱۱:۱-۳)، نگارنده

می‌سازد بر شخص کاهن. این همان چیزی است که رؤیای چهارم (۳:۱-۷) و وعده خاصی که به یهوشع و همکارانش داده شده بیان می‌دارد، همان‌هایی که «مردان نشانه» را تشکیل می‌دهند (۳:۸-۱۰).

این امید در عهد عتیق (ار ۳۳:۱۴-۲۶) که متنی است متعلق به دوره بعد از تبعید، و بعدها در کتاب یوبیل و در قمران، اشکال جدیدی به خود می‌گیرد. این همان امیدی است که بر اساس کتاب عبرانیان، در عیسی جامعه عمل پوشیده است (عبر ۳).

ب) زکریا ۹-۱۴

(زکریا دوم)

۱. از زکریا به زکریای دوم

بخش دوم کتاب زکریا حاوی خصوصیتی است که نمی‌توان آن را به همان نویسندگان بخش اول نسبت داد.

«شرایط تاریخی» تغییر کرده است: مسائل مربوط به سامان‌یابی جامعه و شهر و معبد، دیگر مطرح نمی‌شود؛ انتظار مسیحایی که مرتبط به بازسازی معبد و شخص زروبا بل است معطوف شده به شخصیت‌هایی که مشخص نشده‌اند: پادشاه مسیحی مسکین (۹:۹-۱۰)، چوپان دنیوی طرد شده (۱۱:۴-۱۴) و شخص «سوراخ شده» اسرارآمیز (۱:۱۲) تا (۱:۱۳)؛ هیچ یک از شخصیت‌هایی که به روشنی در بخش اول نام برده شده‌اند، دیگر در بخش دوم ظاهر نمی‌شوند. اسیرانی که چندین بار از آنان یاد شده (۹:۱۱-۱۲؛ ۱۰:۸-۱۱) دیگر آن تبعیدی‌های سال ۵۸۷ ق.م. نیستند، بلکه در معنایی گسترده‌تر بیشتر به پراکندگان اشاره می‌کند.

این اثر در تمامیتش حاکی از تحرک غیرقابل انکار مذهبی و فکری همزمان و متعاقب پیروزی‌های اسکندر کبیر است. قبلاً نیز به هنگام حمله سنخاریب، در دوره اشیا و بیداری مذهبی به هنگام بازگشت از تبعید، همین جو حاکم بوده است؛ همین جو را به دنبال جور و ستم شدید مکابیان مشاهده خواهیم کرد.

۳. طرح کتاب

این کتابچه آن گونه که اکنون در دست ما قرار دارد، شامل دو بخش قرینه است که در آن عمل نجات طی حرکتی دوگانه جریان می‌یابد: یکی سوق یافتن قوم به سوی شکست، و دیگری احیای کاملی که نجات را به عمل درمی‌آورد.

بخش نخست: ۱:۹ تا ۱۷:۱۱

نبی به شیوه کارنامه پیروزی، مداخلت قطعی خدا را اعلام می‌دارد. قوم‌های مجاور که مغلوب شده‌اند، نخست تطهیر شده، سپس به داخل جامعه مؤمنان پذیرفته می‌شوند (۱:۹-۸). بلافاصله چهره پادشاه - مسیحا پدیدار می‌گردد که با فروتنی و افتاده‌دلی، سلطنت آرمانی را برقرار خواهد ساخت (۹:۹-۱۰). جنگ‌هایی عظیم موجب تجمع تمامی پراکندگان قوم خواهد شد به طوری که سرحدات سنتی گنجایش ایشان را نخواهد داشت (۱۷:۹-۱۱:۳ و ۱۰:۳ تا ۱۱:۳).

در ۱:۱۰-۲ میان پرده‌ای کوتاه را مشاهده می‌کنیم: یادآوری می‌شود که این امر فقط عمل الهی است و هر تکیه‌گاه دیگری فریبکارانه است.

نهایی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم به وجود آورده است.

در خصوص تاریخ نگارش این کتابچه، نظرات بسیار متفاوتی ارائه شده است؛ این نظرات از تعلق آن به دوره پیش از تبعید شروع شده (سده‌های هفتم و ششم ق.م) تا دوره مکابیان پیش می‌رود که طی آن، قتل اونیاس سوم، کاهن اعظم (۲-مک ۴:۳۴) یا شمعون (۱-مک ۱۶:۱۱-۱۷) همان تصویر شخص سوراخ شده تلقی شده است.

اما نظری که وزنه بیشتری دارد، منشأ کتاب را به آغاز دوره یونانیان، یعنی بین سال‌های ۳۳۰ تا ۳۰۰ ق.م. مربوط می‌سازد.

در واقع، لشکرکشی اسکندر کبیر در سال ۳۲۲ ق.م. در امتداد کرانه مدیترانه، و نیز ویرانی صور، با دقتی خاص در ۱:۹-۸ توصیف شده است.

اسیرانی که در ۱۱:۹-۱۲ و ۱۰:۸-۱۱ به آنان اشاره شده، تمام پراکندگان هستند که در مناطقی برده شده‌اند که به طور نمادین تحت عنوان آشور و مصر به آنها اشاره شده است. البته موجی از اسیران یهودی در سال ۳۱۲ ق.م. پس از تصرف اورشلیم به دست بطلمیوس سوتر اول به مصر سرازیر شد. بدینسان پی می‌بریم که چرا در ۱۳:۹ از «یاوان» (یونان) همچون قدرتی متخاصم با قوم خدا یاد شده است.

نحوه اتکای نویسنده بر انبیای بزرگ گذشته و کاربرد از اثر آنان به شکلی خیلی ابتکاری و بسیار استادانه، ما را بر آن می‌دارد که او را متعلق به دوره‌ای نسبتاً متأخر نسبت به واقعه تبعید بینگاریم.

الف) مسیحاگرایی بدون مسیحا

این آرمان مسیحاگرایانه در بخش‌های ذیل ارائه شده است: ۸-۱:۹؛ ۱۱-۱۷:۹؛ ۱۰:۳ تا ۱۱:۳؛ ۱۴. این آرمان به آرمان مکاشفه‌ای اشعیا (اش ۲۴-۲۷) نزدیک است. تمام عمل نجات را خود خداوند به انجام می‌رساند که دشمنان را از میان بر می‌دارد و تمام قوم را گرد می‌آورد. وقتی این شرایط مقدماتی فراهم آمد، بت‌پرستان می‌توانند امید داشته باشند که خودشان نیز به عضویت این جامعه پذیرفته شوند. ایشان در میان طوایف یهودا جایی برای خود خواهند یافت. اما لازم خواهد بود که به تمام اقتضاهای شریعت که در آیین‌ها (۷:۹)، و مناسک مذهبی (۱۴:۱۶-۱۹) آمده، گردن نهند. این نگرشی است بزرگوارانه، اما اندکی محدود: پذیرش بیگانگان با ملحق شدن آنان به جامعه یهود میسر می‌گردد.

ب) مسیحاایی با چندین چهره

این عمل که فقط به خدا نسبت داده شده، در بخش‌هایی دیگر، همراه می‌شود با عمل شخصیتی خاص. این شخصیت برخوردار از سه چهره نموده شده که هیچ یک باعث پوشیده شدن آن دو چهره دیگر نمی‌گردد.

«پادشاه مسیحا» ۹:۹-۱۰ اگر بخشی از اطلاعات به کار رفته، این چهره را با الگوی داود و سلیمان مرتبط می‌سازد، بخشی دیگر او را در سلاله آرمان نبوتی قرار می‌دهد، یعنی آن نبی مسکین و عادل. این مسیحاایی است که آرمان مذهبی «مسکینان خداوند» را بیان می‌دارد (صف ۲:۳؛ ۱۱:۳-۱۳؛ اش ۴۹:۱۳؛ ۵۷:۱۵؛ ۶۱:۱-۲؛ ۶۶:۲؛ ز ۲۲:۲۷؛ ۳۳:۶۹-۳۴).

پس از مقدمات، مسیحا که این بار با تصویر چوپان بازنمود شده است، اقدام به تحقق بخشیدن به برنامه خود می‌کند که با دو چوبدست چوپانی به تصویر کشیده شده است: «لطف» و «پیوند». اما انحطاط مذهبی بزرگان و گله آن چنان است که اقدام او با شکست مواجه می‌شود: چوپان نیکو که رد شده، جای خود را به شخص بدکار و بی‌ارزشی می‌دهد که با بی‌شرمی گله را از هم می‌پاشد (۱۱:۴-۱۷).

بخش دوم: ۱:۱۲ تا ۲۱:۱۴

درست در زمانی که به نظر می‌رسد همه چیز از دست رفته باشد، قربانی شخص سوراخ شده، موجب سامان یابی امور می‌گردد: قوم که از دشمنان خارجی اش رهایی یافته، روحی جدید دریافت می‌دارد (۱:۱۲ تا ۱:۱۳). تطهیر ادامه می‌یابد و با تجدید به پایان می‌رسد (۱۳:۲-۹).

نجات شامل تمام جهان می‌گردد؛ تمامی قوم‌ها باید به اسرائیل ملحق شوند تا پادشاه بودن خدا را تصدیق کنند. فصل ۱۴ که احتمالاً متأخرتر است، نتیجه‌گیری مناسبی را برای تمام کتاب تشکیل می‌دهد.

۴. پیام زکریای دوم

تمام محتوای کتابچه را می‌توان تحت این عنوان خلاصه کرد: توصیف ظهور مسیحا. اما می‌توان مشاهده کرد که دو برداشت مکمل در زمینه این مسیحاگرایی در کنار هم در کتابچه قرار گرفته‌اند و این امر برای هر دو بخش کتاب صدق می‌کند.

متفاوت راه کار می گیرد. همانند آن خدمتگزار، قربانی او سرچشمه دگرگونی دل‌ها (۱۰:۱۲) و تطهیر (۱:۱۳) می باشد. ارتباط او با چهره باستانی شاهانه محتاطانه ابراز شده. اشاره به آن فقط از طریق یادآوری مکرر داود و سلاله او صورت می پذیرد: ۱۲:۷-۸، ۱۰، ۱۲؛ ۱:۱۳. جلال مسیحایی جای خود را به محرومیت و شکست می دهد که همین امر سرچشمه نجات می گردد. وفور مطالب مسیحایی زکریایی دوم قویاً اندیشه نسل‌های بعدی را تغذیه کرده است. و این امر توجیه می کند که چرا انجیل نگاران تا این حد به این نبی توسل جسته‌اند تا شخصیت و نقش عیسی را معرفی کنند، خصوصاً مصائبش را: مت ۴:۲۱-۵ و یو ۱۲:۱۵؛ مر ۱۴:۲۷ و مت ۲۶:۳۱؛ مت ۲۷:۹-۱۰؛ یو ۱۹:۳۷.

«چویان نیکو»: ۱۱:۴-۱۷ و ۱۳:۷-۹. سیمای این مسیحا دارای خصوصیات کمتری است. ارتباطش با تصویر پادشاه از استواری کمتری برخوردار است، اما ارتباط روشن تری با تصویر چویانی دارد که همانا خود خداوند باشد، آن گونه که در حزق ۳۴:۱۱-۲۲، ۳۱ نموده شده است. در واقع، تمثیل زکریای دوم در مورد چویان، بدون هیچ عبارت انتقالی، از چویانی که باز نمودش خود نبی است، به خود خداوند منتقل می شود. از طرف دیگر، این تمثیل به سوی چهره آن شخصیت سوراخ شده سوق می یابد، زیرا او رد شده، فروخته شده از میان برداشته شده، و قربانی اش (۷:۱۳) در برقراری مجدد عهد شراکت دارد (۹:۱۳). «آن سوراخ شده»: ۱۲:۹-۱۴. این چهره، تصویر خدمتگزار رنجکش اشعیا ۵۳ را به عاریت می گیرد، گرچه اصطلاحاتی کاملاً

|

۲۴۵۲

—

— |

کتاب زکریا

۱ در ماه هشتم از سال دوم داریوش^a، کلام یهوه به این مضمون بر زکریای نبی، برکیا پسر عدو فرا رسید:

برای بازگشت، منتظر مجازات نباشید

۲ یهوه به سختی بر علیه پدران شما خشمگین بوده است^b. ۳ به ایشان بگو: چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: به سوی من باز گردید - وحی یهوه لشکرها - و من به سوی شما باز خواهم گشت. ۴ مانند پدران خود مباشید که انبیای کهن به ایشان فریادکنان می گفتند: چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: از رفتار بد و از اعمال بد خویش بازگشت کنید. اما ایشان گوش نگرفتند و توجه نکردند - وحی یهوه. ۵ پدران شما کجا هستند؟ و انبیا، آیا برای همیشه زنده اند؟^c ۶ با این حال، سخنان و احکام من که به خدمتگزارانم انبیا سپردم،

تث: ۳۰:۲؛
ار: ۳:۲۲؛
عا: ۴:۶؛
یول: ۲:۱۳؛
ملا: ۳:۷؛
یحم: ۴:۸؛
ار: ۲:۵

به پدران شما نرسید، طوری که بازگشت کردند و گفتند: «همان گونه که یهوه لشکرها تصمیم گرفته بود با ما رفتار کند، مطابق راه های ما و اعمال ما، به همان گونه با ما رفتار کرده است».

یوشع: ۲۳:۱۵؛
اش: ۵:۱۱؛
۱-یا: ۳۶:۵۱-۳۴؛
نحم: ۹:۳۰؛
دان: ۹:۱۰

کتاب رؤیاها

۷ روز بیست و چهارم از ماه یازدهم که ماه شباط باشد، در سال دوم داریوش^d، کلام یهوه به این مضمون بر زکریای نبی پسر برکیا پسر عدو فرا رسید:

رؤیای نخست: اسب سواران

۸ شب هنگام رؤیایی دیدم: مردی بود که سوار بر اسبی حنایی می شد و در میان درختان آس که در ورطه هستند ایستاده بود،^e و در پس او، اسبان حنایی و کردند و سیاه^f و سفید بود. ^gگفتم: «ای سرور، اینها که هستند؟» فرشته ای که با تکلم می کرد،

عا: ۱:۷؛
دان: ۷:۱؛
مکا: ۱:۲؛
۸-۱:۶؛
۲-یا: ۲:۱۱؛
۱۷:۶؛
مکا: ۱-۶؛
دان: ۷:۱۶؛
مکا: ۷:۱۷

a سال ۵۲۰ ق.م. در ماه های اکتبر - نوامبر.

b این آیه که میان عنوان کتاب و حکمی که نبی دریافت داشت در انزوا قرار گرفته، بعد از آیه a۶ جای مناسب تری می داشت.

c پاسخ به این سؤال منفی است. این انبیای گذشته با اینکه مردند، اما کلامی مؤثر را اعلام داشتند. پس لازم است که به کلام نبوت در زمان حاضر گوش فرا داد و توبه کرد. خدمت نبوتی زکریا در ۱۳:۲؛ ۱۵:۲؛ ۹:۴ و ۱۵:۶ یادآوری شده است.

d یعنی نیمه فوریه سال ۵۱۹ ق.م.

e منظور از «ورطه» همان «لجئ» نمادین و اسطوره ای است که با قدرت خلاقه خدا مغلوب شد (پید ۱:۱). در حال حاضر، آن تحت قدرت خدا قرار دارد. درخت آس در آیین های عبادی به کار می رفت (ر.ک. نج ۸:۱۵) و در اش ۴۱:۱۹ و ۵۵:۱۳ به دوره کامیابی مسیحایی مربوط شده است. ترجمه یونانی به جای «درختان آس» قرائت کرده: «میان دو کوه»، مانند متن عبری در ۱:۶.

f رنگ «سیاه» بر اساس ۲:۶ اضافه شده و در متن عبری نیامده؛ مضمون متن نیز وجود این اسب چهارم را ایجاب می کند، زیرا باید به اندازه چهار گوشه زمین یا چهار باد، چهار اسب وجود داشته باشد - رنگ «کرنده» معنایی قطعی ندارد؛ در عبری شاید رنگ خاکستری یا سبز باشد، مانند اسب چهارم در مکا ۸:۶. در فارسی این رنگ، چیزی میان زرد و بور است.

به من گفت: «به تو نشان خواهم داد که هستند». ^{۱۰} مردی که میان درختان آس ایستاده بود رشته سخن را به دست گرفت و گفت: «اینها هستند که یهوه فرستاده تا بر روی زمین گردش کنند» ^{۱۱} اینان فرشته یهوه را که در میان درختان آس ایستاده بود خطاب کرده^g، گفتند: «بر روی زمین گردش کردیم، و اینک تمام زمین مسکون و آرام است^h.

^{۱۲} فرشته یهوه رشته سخن را به دست گرفت و گفت: «ای یهوه لشکرها، تا به کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا ترحم نخواهی کرد که بر علیه آنها از هفتاد سالⁱ پیش غضب کرده ای؟» ^{۱۳} یهوه فرشته ای را که با من سخن می گفت، با سخنان نیکو، سخنان تسلی بخش مخاطب قرار داد.

مز: ۱۳:۲
ار: ۴۷:۸۹
د: ۱۲:۴
دان: ۱۳:۸
مکا: ۱۰:۶

خدا بر صهیون ترحم خواهد کرد

^{۱۴} فرشته ای که با من تکلم می کرد، مرا گفت: «فریادکنان بگو: چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: برای اورشلیم و برای صهیون با حسادتی عظیم حسود هستم،

۸:۲، ۱۱:۸
اش: ۷:۵۴
یول: ۱۸:۲

^{۱۵} و با غضبی عظیم بر علیه ملت های خشود غضبناک هستم، زیرا من، فقط اندکی غضبناک بودم، و ایشان به مصیبت کم کرده اند.

^{۱۶} «به همین سبب، چنین سخن می گوید یهوه: من با ترحم به اورشلیم باز گشته ام؛ خانه ام در آنجا بازسازی خواهد شد - وحی یهوه لشکرها - و ریسمان بر روی اورشلیم ^{۵:۲} دراز خواهد شد^l.

^{۱۷} بار دیگر فریادکنان بگو: چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: شهرهای من بار دیگر از اموال آکنده خواهد شد^k؛ یهوه بار دیگر صهیون را تسلی خواهد داد، و بار ^{اش: ۵۱:۳} دیگر اورشلیم را بر خواهد گزید^l!

رؤیای دوم: شاخ ها و آهنگران

^۱ چشمان خود را بلند کردم و ^۲ رؤیایی دیدم: چهار شاخ بود. ^۳ به فرشته ای که با من تکلم می کرد، گفتم: «اینها چیست؟» مرا گفت: «اینها شاخ هایی است که یهودا و اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته است^m.

دان: ۷:۸
مکا: ۱:۱۳

g کاربرد ضمیر جمع در اینجا غیرمنتظره است، چرا که گفتگو میان نبی و اسب سوار آیه ۸ که در میان آنها ایستاده در جریان بوده است. به نظر می رسد که متن در معرفی فرشته مفسر کمی تردید دارد.

h این آرامش در نظر نبی نگران کننده است، چرا که تحقق نقشه الهی را به منتها درجه خود می رساند. این تحقق، طبق سبک مکاشفه ای که پیش از این متداول شده، باید درست پس از تهاجم ملت ها صورت گیرد.

i این رقم را باید در اینجا اشاره ای به دوره ای کلی و طولانی در نظر بگیریم، مانند ار ۱۱:۲۵ و ۱۰:۲۹. از ۲-توا ۳۶:۲۱ به بعد است که این عدد به مدت زمانی معین دلالت می یابد، احتمالاً به زمان متوقف شدن عبادت در معبد (۵۸۵-۵۱۵ ق.م.).

j این ریسمان به منظور کشیدن خطوط برای بازسازی به کار می رفت. ر.ک. ۵:۲؛ ار ۳۸:۳۱-۴۰؛ حزق ۳:۴۰.

k فعلی که در اینجا به کار رفته مبهم است؛ می تواند به معنی محرومیتی باشد که هنوز شهرهای یهودا از آن رنج می برند (حزق ۱۸:۴۶). اما سه بار استفاده از عبارت «بار دیگر»، به این جمله حالتی مشابه با وعده های متعاقب را می بخشد.

l این اصطلاح بیانگر گزینشی خاص و رایگان و بر اساس محبتی صرف است. ر.ک. تث ۷:۸-۱. یاد ۳:۸؛ ۱-توا ۱۵:۲ و نیز توضیحات حجی ۲:۲۳.

m این پراکندگی همان پراکندگی تبعید است. چهار شاخ به طور کلی نمایانگر دشمنان اسرائیل می باشد.

بیرون می آمد. ^۸ او وی را گفت: ^f «بدو و با این جوان ^g به این مضمون سخن بگو: اورشلیم مانند یک شهر باز مسکونی خواهد شد، به سبب کثرت مردمان و حیوانات که در میانش خواهد بود. ^۹ و من برای آن ^h - وحی یهوه - همچون حصار از آتش در پیرامونش خواهم بود و در میانش تبدیل به جلال خواهم شد».

^۳ یهوه چهار آهنگر به من نشان داد. ^۴ گفتم: «اینها آمده اند چه کنند؟» مرا گفت: «اینها شاخ هایی است که یهودا را پراکنده ساخته تا آن حد که کسی ⁿ دیگر نتواند سر خود را بلند کند؛ اما اینان آمده اند آنها را بترسانند، تا شاخ ملت ها را پایین بیفکنند، (ملت هایی) که شاخ خود را بر علیه سرزمین یهودا بلند می کردند تا آن را پراکنده سازند ^o.

فراخوان تبعیدی ها

^{۱۰} آهای! آهای! از سرزمین شمال اش ۲۰:۴۸ مکا ۴:۱۸

بگریزید ^u

- وحی یهوه -

زیرا که شما را به چهار باد آسمان ^v پراکنده ساختم.

^{۱۱} آهای! صهیون، خود را نجات بده،

تو که نزد دختر بابل ساکن هستی ^w. اش ۲:۵۲

^{۱۲} زیرا چنین سخن می گوید یهوه لشکرها ^x به ملت هایی که شما را غارت می کنند

رؤیای سوم: ریسمان اندازه گیری

^۵ چشمان خود را بلند کردم و رؤیایی

دیدم: مردی بود و در دستش ریسمان

اندازه گیری. ^۶ به او گفتم: «کجا

می روی؟» به من گفت: «برای

مکا ۱۵:۲۱ اندازه گیری اورشلیم تا ببینم عرض چقدر

است و طولش چقدر ^p. ^۷ و اینک فرشته ای

که با من سخن می گفت آنجا ایستاده بود ^q،

در حالی که فرشته دیگری به ملاقات او

ⁿ تحت اللفظی: «مطابق یک مرد»: این عبارت ظاهراً به کلیت انسان ها اشاره دارد و آنان را در یک فرد جمع می آورد.

^o روشن است که نکاتی به جمله اضافه شده. آخرین بخش ظاهراً اضافه شده تا معنی «ترساندن» را بیشتر تأکید کند.

^p این عمل حاوی امیدی است برای گسترش شهر که در پناه دیوارهایی جدید قرار خواهد گرفت. اما طرح خدا بسیار فراتر از دید بشری می رود.

^q قرائت عبری: «جلو آمد». ترجمه ما منطبق است با متن یونانی که با صحنه سازگارتر است.

^r فرشته تفسیر کننده با آن فرشته دیگر سخن می گوید.

^s منظور مردی است که ریسمان اندازه گیری در دست دارد.

^t این عبارت حاکی از آن است که خدا خودش وارد عمل می شود تا نجات را تحقق بخشد (ر.ک. خروج ۳:۱۲، ۱۴). در اینجا

همان وعده نجات تکرار می شود. در هو ۱:۹ ساختاری مشابه داریم اما با شکلی منفی که عدم حضور خدا را بیان می کند.

اشاره به حصار آتشین و جلال، همگی اشاره به خروج دارند.

^u یعنی از بابل برگریزند تا بیایند و جامعه پیرامون معبد را بنا کنند.

^v تحت اللفظی: «همچون به چهار باد».

^w بسیاری از تبعیدی ها که در بابل جا افتاده بودند، مایل به بازگشت نبودند.

^x ما یک مصرع را که قابل درک نبوده ترجمه نکرده ایم. برخی آن را چنین ترجمه کرده اند: «پس از آنکه جلال مرا فرستاد»، «او

که قبلاً مرا فرستاده»: «او مرا برای جلالش فرستاده»: او مرا به دنبال افتخار فرستاده». در این صورت، نبی موعظه خود را

مورد تأکید قرار می دهد، مانند ۲:۱۳؛ ۲:۱۵؛ ۴:۹؛ ۶:۵. او اقتدار (تحت اللفظی: جلال) خود را از کسی دریافت داشته که

او را فرستاده.

تث ۱۰:۳۲ - زیرا هر که شما را لمس کند، مردمک چشم مرا^{۱۳} لمس می کند: اینک بر علیه آنها دست خود را تکان می دهم و آنها برای بردگان خود یغما خواهند بود. و خواهید دانست که یهوه لشکرها مرا فرستاده است!

۱۴ فریاد شادی سرده و شادمانی نما، ای دختر صهیون؛ زیرا که اینک می آیم تا در میان تو ساکن شوم - وحی یهوه. ۱۵ ملت های بسیار در آن روز به یهوه خواهند پیوست؛ آنها برای او قومی خواهند شد و در میان تو ساکن خواهند گردید.^Z و خواهی دانست که یهوه لشکرها مرا به سوی تو فرستاده!^a ۱۶ یهوه یهودا را همچون میراث خواهد

صف ۳:۱۴-۱۵:۹؛ اش ۵۲:۹

داشت، همچون سهم خویش بر روی زمین مقدس، و بار دیگر اورشلیم را بر خواهد گزید. ^{۱۷} خاموش، ای تمام جانداران^b، در صف ۱:۷؛ حب ۲:۲۰؛ مکا ۱:۸ برابر یهوه، چرا که از مکان مقدس خود سر بر می آورد.^c

رؤیای چهارم: یهوشع، کاهن اعظم
 ۳^۱ او یهوشع، کاهن اعظم را به من نشان داد که در برابر فرشته یهوه ایستاده بود، و شیطان^d را که بردست راست او ایستاده بود تا او را متهم سازد. ^۲ فرشته یهوه^e به شیطان گفت: «یهوه تو را تهدید کند، ای شیطان؛ آری، یهوه تو را یهودا تهدید کند، هم او که اورشلیم را برگزید! آیا این فرد^f، نیم سوزی نیست که از آتش نجات یافته؟» ^۳ و یهوشع جامه های ناپاک بر تن داشت، در آن حال که در برابر فرشته

Y در اینجا خدا سخن می گوید. اما کاتبانی که برای شخص الهی احترامی شدید قائل بودند، در نسخه عبری آن را «چشمش را» ترجمه کرده اند که ما در اینجا آن را اصلاح کرده ایم.
 Z قرائت عبری: «من در میان تو ساکن خواهم شد». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی که درست تر به نظر می رسد. طبق متن عبری، ملت های بت پرست در محل زندگی خود توبه خواهند کرد و اورشلیم جایگاه ممتاز خود را حفظ خواهد کرد (آیه ۱۶). اما طبق قرائت یونانی، ملت های دیگر در میان قوم خدا ساکن شده، جزیی از ایشان خواهند شد، بدون هیچ تبعیضی. این همان چشم اندازی است که بعداً در اع ۸ و ۱۰ مشاهده خواهیم کرد.
 a این عبارت آخر تأکیدی است بر رسالت نبی که در بقیه آیه از جانب خدا سخن می گوید.
 b «خاموش؟»: بخاطر احترام عمیق در حضور خدا یا در انتظار ظهور او. ر.ک. ۷:۱؛ حب ۲:۲۰؛ عا ۱۰:۶؛ اش ۱۰:۴۱. «تمام جانداران»: ر.ک. ۴۰:۵؛ لو ۶:۳؛ اش ۴۹:۲۶؛ ۶۶:۱۶؛ ۲۳:۱۶؛ ۲۵:۳۱؛ ۳۲:۲۷؛ پید ۶:۱۲.
 c «خاموشی» و «سر بر آوردن» بیانگر قریب الوقوع بودن مداخلت الهی برای تحقق امر نجات است (ر.ک. صف ۱:۷؛ مز ۷۶:۹-۱۰؛ اش ۴۱:۱).
 d یعنی «متهم کننده». در متن حاضر، این موجود هنوز با روح شریر یا همان شیطان معروف دیگر انگاشته نشده. در عهد عتیق مکاشفه موجودی شخصی که کاملاً منحط و منحرف بوده، دشمن خدا و انسان باشد، به تدریج صورت گرفته است. (ر.ک. ۱-پاد ۲۲:۲۲؛ ایوب ۱:۶؛ ۱-توا ۲۱:۱؛ حک ۲:۲۴).
 e تحت اللفظی: «یهوه». اما مضمون متن ایجاب می کند که آن را همراه با ترجمه سریانی تکمیل کرده، قرائت کنیم: «فرشته یهوه». f تحت اللفظی: «این» که منظور یهوشع است که به تازگی از تبعید بازگشته است.

به میان آنانی را خواهم داد که آنجا می ایستند.^۱

اعلام مسیح «جوانه»

^۸ «بس گوش کن، ای یهوشع، کاهن اعظم، تو و همکارانت که در برابر تو می نشینند - چرا که اینها مردان نشانه^k هستند - اینک من خدمتگزارم «جوانه»^۱ را خواهم آورد،^۹ زیرا اینک سنگی که در برابر یهوشع قرار داده ام^m: بر روی این سنگ

منحصر به فرد هفت چشم هست. اینک من ۱۰:۴ نقش او را حک می کنم - وحی یهوه لشکرها - و خطای این مملکت را در یک روز واحد برخواهم داشت.

^{۱۰} «در آن روز - وحی یهوه لشکرها - شما یکدیگر را زیر درخت مو و زیر درخت انجیر دعوت خواهید کردⁿ.»

ایستاده بود.^۴ (فرشته) رشته سخن را به دست گرفت و به آنانی که در برابرش ایستاده بودند گفت: «جامه های ناپاک را از تنش به در کنید». به [یهوشع] گفت: «ببین، گناهت را از رویت زدودم»^۵ گفت^g: «عمامه طاهر بر سرش بگذارید و او را با جامه های جشن بپوشانید». عمامه طاهر بر سرش گذاشتند و او را با جامه ها پوشاندند^h، در حالی که فرشته یهوشع در آنجا ایستاده بود.

^۶ فرشته یهوه با سنگینی به یهوشع هشدار داد: ^۷ «چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: اگر در طریق های من سلوک نمایی و اگر فرایض من را نگاه داری، تو بر خانه من حکمرانی خواهی کرد، و تو صحن های مرا نگاه خواهی داشت^۱، و من به تو اجازه ورود

۳۴:۳۱ را
خرو ۵:۲۹
لاو ۷:۸
خرو ۶:۲۹
لاو ۹:۸

^g تحت اللفظی: «و من گفتم». در متن عبری، این نبی است که سخن می گوید، اما نبی هیچگاه برای عمل کردن مداخلتی نمی کند. پس طبق ترجمه ما، بهتر قرائت کنیم: «گفت» و آن را نسبت دهم به فرشته ای که در آیه ۴ ذکرش آمده است.

^h طبق آیه قبلی و ترجمه سریانی. منظور همان جامه های «پاک» است.

ⁱ وفاداری به مفاد عهد از این پس انحصار مطلق بر امور معبد و عبادت را به کاهنان می دهد. پیش از تبعید، پادشاه گاه شخصاً دخالت می کرد تا امور کاهنان را ترتیب دهد (۱-پاد ۲۷:۲)، یا آیین های عبادی را سازمان دهد یا برگزار کند (۱-پاد ۸:۶۲-۶۶)، یا ترتیبات معبد را تغییر دهد (۲-پاد ۱۰:۱۶-۱۸-۳:۲۲-۷).

^j این امتیازی است برای ارتباط مستقیم با خدا، همانند موجودات روحانی که در برابر او می ایستند. این صحنه در مدخل درگاه آسمانی روی می دهد (ر.ک. ۱:۳ و ۸:۱).

^k قرائت سریانی: «شما مردان نشانه هستید». بدینسان یهوشع در این نقش در زمره مردان نشانه قرار می گیرد. کاهنانی که طاهر شده و مجدداً برقرار شده اند، نشانه ای را در خصوص نزدیک بودن نجات تشکیل می دهند.

^l اشاره ای است به مسیح موعود که از ۵:۲۳ تا ۱۵:۳۳ به عاریت گرفته شده و با اش ۱۱۱-۲ منطبق است. کاربرد اصطلاح «خدمتگزار» بار دیگر خصوصیت مسیحایی شخصیت مورد انتظار را بیشتر تصریح می کند (ر.ک. اش ۵:۴۹-۶:۵۲-۱۳:۵۲: حجتی ۲:۲۳). کهانان پس از تطهیر و برقراری مجددش، ضامن ظهور مسیح موعود می باشد.

^m این سنگ شاید به سنگی قیمتی اشاره دارد که به جامه کاهن وصل می شود، مانند تاج کوچک مذکور در خروج ۳۶:۲۸ و ۳۹:۳۰؛ و هفت حرف عبری را که عبارت «وقف شده به خداوند» بر روی آن نقش بسته، بر خود دارد (ر.ک. ۲۰:۱۴). در این صورت، هفت چشم نماینده حضور حفاظت کننده ای است که خدا به کاهنان و قوم عطا می کند. اما این سنگ ممکن است اشاره ای باشد به خود معبد که «در برابر» یهوشع قرار گرفته و به او به امانت داده شده و خدا خودش کننده کاری هایش را انجام خواهد داد (ر.ک. ۱-پاد ۶:۲۹-۷:۳۶: ۲-توا ۷:۳: مز ۷:۴۶).

ⁿ این تصویری است از رونق و امنیت و روابط برادرانه (ر.ک. ۱-پاد ۵:۵: میک ۴:۴-۱-مک ۱۲:۱۴). عصر مسیحایی این شرایط زندگی بهشتی را برقرار خواهد ساخت.

رؤیای پنجم: شمعدان و دو درخت زیتون

۱ فرشته ای که با من سخن می گفت
 ۲ بار دیگر آمد، و مرا بیدار کرد
 همچون کسی که از خوابش بیدار
 می شود.^۵ ۳ مرا گفت: «چه می بینی؟»
 گفتم: «یک شمعدان چند شاخه می بینم،
 تماماً از طلا که روغن دانی بر سرش دارد؛
 هفت چراغ^P بر روی شمعدان هست، و نیز
 هفت لوله برای چراغ هایی که بر سرش
 می باشد. ۳ و دو درخت زیتون نزدیک آن
 هست، یکی بر طرف راست روغن دان^Q و
 دیگری بر طرف چپش.»
 ۴ من رشته سخن را به دست گرفتم و به
 فرشته ای که با من تکلم می کرد گفتم: «این
 چیزها چه هستند، سرور من؟»^۵ فرشته ای
 که با من سخن می گفت، پاسخ داد و گفت:
 «آیا نمی دانی این چیزها چه هستند؟»
 گفتم: «نه، سرور من.»

۴

خرو ۲۵:۳۱
 ۱-۷:۴۹
 مکا ۱:۲

۶ او ادامه داد و مرا گفت:^T «اینک کلام
 یهوه خطاب به زروبابل: نه به قوت و نه به
 قدرت، بلکه به روح من [او کار مرا به
 انجام خواهد رساند]، یهوه لشکرها
 می فرماید^V. ۷ تو که هستی، ای کوه بزرگ؟
 در برابر زروبابل تبدیل به همواری خواهی
 شد!^W او سنگ اصلی را بیرون خواهد
 کشید با فریادهای: فیض، فیض بر آن!»
 ۸ کلام یهوه به این مضمون بر من فرا
 رسید: ۹ «دست های زروبابل بنیادهای این
 خانه را نهاده است، و دست های او آن را
 به پایان خواهد رساند. و تو خواهی
 دانست^X که یهوه لشکرها مرا به سوی شما
 فرستاده است! ۱۰ زیرا چه کس روز امور
 کوچک را خوار می شمرد^Y؟ بادا که
 شادمانی کنند با دیدن سنگ برگزیده در
 دست زروبابل^Z. اما این هفت، اینها
 چشمان یهوه هستند^S که در تمام زمین
 گردش می کنند.»

۱-سمو ۱۷:۴۷
 هو ۱:۷
 اش ۱:۳۱
 مز ۱۶:۳۳

اش ۱۶:۲۸
 ۱-بط ۲:۴

حجی ۲:۳-۵

- O نبی از آغاز رؤیاها در حال شنیدن است: او مستقیماً می شنود. پس در اینجا نمی تواند اشاره به یک خواب واقعی باشد، بلکه احتمالاً تشدید ارتباط الهی مطرح است که نشانگر اهمیت این رؤیای پنجم است.
- P در اینجا منظور شمعدان هفت شاخه ای نیست که تصویر کنده کاری شده اش در طاق نصرت تبتوس در رم دیده می شود. آنچه در اینجا بازنمود شده، پایه ای پهن دارد که ظرفی مدور برای روغن را نگه می دارد. در کناره های این ظرف مدور، فتیله ها از هفت لوله بیرون می آیند. همانطور که آیه ۱۰ نشان می دهد، شمعدان بازنمود خداوند است.
- Q این اشاره به روغن دان، غیرمنتظره است. برای اشاره به تمام شمعدان، از آن به عنوان مهمترین بخش نام برده شده است.
- R پاسخ واقعی به سؤال نبی در آیه ۱۰ (بخش سوم آیه) داده شده است. سه گفتار در مورد زروبابل، رؤیای شمعدان را قطع می کند.
- V هشدار در مورد اعتماد بیش از حد به قدرت انسانی. استقرار مجدد جامعه و ظهور مسیح موعود پیش از هر چیز عمل قدرت خلاقه خدا است.
- W تلی از آوار که بر محوطه معبد گرد آمده بود، پاکسازی شده بود تا بنیادهای بنا ظاهر شود و تجدید دیوارها بر اساس پایه هایی که دست نخورده باقی مانده بود میسر شود. از آنجا که کار پیشرفت کرده بود، «سنگ اصلی» نباید سنگ زیربنا باشد، بلکه سنگی در بالای بنا که آن را به پایان می رساند.
- X برخی از ترجمه ها این عبارت را خطاب به شنوندگان نبی تلقی می کنند، مانند ۱۳:۲، ۱۵:۶ و ۱۵:۶ و نه به زروبابل. به همین دلیل، آن را «خواهید دانست» ترجمه می کنند. چندین نسخه خطی عبری و سریانی و وولگات نیز چنین کرده اند.
- Y منظور کار طاقت فرسای شروع عملیات است.
- Z تحت اللفظی: «سنگ قلع» که ماده معدنی طبیعی قلع است. عمل بنیانگذاری قدس (آیه ۹) با قرار دادن شمشی قیمتی شروع می شد، که در او کاریت هم یافت شده. منظور سنگی متفاوت با سنگ آیه ۷ است.
- S در این لحظه حساس در حیات قوم برگزیده، نبی یادآوری می کند که فقط خدا حاکم بر زمین است و تاریخ جهان را هدایت می کند.

به جلو خواهیم برد - وحی یهوه لشکرها - وارد خانه دزد خواهد شد و وارد خانه کسی که به نام من سوگند دروغ می خورد؛ در میان خانه اش مسکن خواهد گرفت و آن را خواهد سوزاند، و نیز چوب‌ها و سنگ‌هایش را».

عز ۱۱:۶

رؤیای هفتم: زنی در ایفه

^۵فرشته‌ای که با من سخن می گفت، جلو آمد و مرا گفت: «چشمان خود را بلند کن و ببین چه چیز جلو می آید» گفت: «این چیست؟» گفت: «این ایفه است که جلو می آید.^d» سپس گفت: «این خطای ایشان است^e در تمام سرزمین».^۷ و اینک صفحه‌ای سربی بلند شد: زنی بود که در میان ایفه نشسته بود.^۸ گفت: «این شرارت است».^۹ او وی را به میان ایفه پرتاب کرد و جرم سربی را روی دهانه [ایفه] انداخت.^f چشمانم را بلند کردم و رؤیایی دیدم: دو زن بودند که جلو می آمدند. در بال‌هایشان باد بود؛ دو بال همچون بال‌های مکا ۱۲:۱۴ و لک داشتند، و ایفه را میان زمین و

^{۱۱}من رشته سخن را به دست گرفتم و به او گفتم: «این دو زیتون که در طرف راست شمعدان چند شاخه و در طرف چپش می باشد چیستند؟»^{۱۲} بار دوم رشته سخن را به دست گرفتم و به او گفتم: «این دو شاخه زیتون که از دو لوله طلا، طلا^{۱۳} می‌ریزند چیستند؟»^{۱۴} مرا گفت: «آیا نمی دانی این چیزها چه هستند؟ گفتم: «نه سرور من».^{۱۵} گفت: «اینها دو مسح شده^{۱۶} هستند که نزد خداوند تمامی زمین می ایستند.»

مکا ۱۱:۴

رؤیای ششم: طومار

^۱بار دیگر چشمانم را بلند کردم و **۵** رؤیایی دیدم: طوماری^a بود که می‌پرید.^۲ مرا گفت: «چه می بینی؟» گفتم: «طوماری که می‌پرد؛ طولش بیست ذراع است و عرضش ده ذراع^b».^۳ مرا گفت: «این لعنتی است که بر سطح تمام سرزمین به پیش می‌رود؛ زیرا هر دزدی مجازات نشده باقی مانده اینک چه مدتی، و هر سوگند خورنده مجازات نشده باقی مانده اینک چه مدتی^c! من آن (لعنت) را

۱۷:۸
ملا ۳:۵
اش ۹:۷

t این سؤال جدید که گفتگو را قطع می کند و در توصیف امور عناصر جدیدی وارد می سازد، ظاهراً توضیحی ثانوی است. شمعدان که باز نمود خدا است، در اینجا چراغی بیش نیست و دو درخت زیتون، تأمین کننده روغن برای چراغ‌های آن هستند. u تحت اللفظی: «دو پسر روغن تازه» بدینسان، دو رئیس جامعه کنونی همچون رؤسای جامعه مسیحایی در آینده مورد اشاره قرار می گیرند. ایشان از همین الان آنجا هستند.

a منظور کتابی است به شکل طومار که بر هر دو رویش نوشته شده بود، مانند طومار حزقیال در حزق ۲:۱۰. b اینها ابعاد دروازه معبد اول است (۱- یاد ۳:۶) طومار لعنت با گذشتن بر روی سرزمین، تمام آنانی را که به سبب گناهشان، نمی توانند وارد قدس شوند، نابود خواهد ساخت (ر.ک. مز ۱۵: ۲۴-۳-۵).

c «مجازات نشده اینک چه مدتی» ترجمه‌ای است از متنی بسیار دشوار که به نظر ما به متن اصلی نزدیکتر می نماید. ترجمه‌ای دیگر چنین می گوید. «لذا مطابق یکی از روهای طومار، هر دزدی نابود خواهد شد، و مطابق روی دیگر، هر کس که سوگند دروغ می خورد نابود خواهد شد».

d «ایفه» میزان حجم برای مواد خشک است، به ظرفیت حدوداً ۴۰ لیتر.

e قرائت عبری: «این چشم ایشان است...» این امر ناشی از اختلاط چند حرف است که ترجمه‌های یونانی و سریانی آن را اصلاح کرده اند. تمام رؤیا مربوط می شود به تطهیر سرزمین از طریق حذف شرارت.

f سرب باز نمود وزنی است جابجا نشدنی: پس به این ترتیب، شرارت قطعاً خنثی می شود.

سرور من؟»^۵ فرشته پاسخ داده، به من گفت: «اینها به سوی چهار باد آسمان می روند، پس از آنکه در برابر خداوند تمام زمین حضور یافتند.^۱ از [ارابه] با اسبان سیاه^m، [اسبانش] به سوی سرزمین شمال می روند، سفیدها به سوی سرزمین غرب می روند، و ابلق ها به سوی سرزمین جنوب می روندⁿ». ^۷ آنها نیرومند رفتند^o و درخواست کردند که بروند و در تمام زمین بگردند. [فرشته] گفت: «بروید، بر روی زمین بگردید». و آنها بر روی زمین گشتند.

^۸ او مرا صدا زد و به این مضمون با من سخن گفت: «ببین؛ آنهایی که به سوی سرزمین شمال می روند، روح یهوه را در سرزمین شمال^q آرام خواهند ساخت^p.

آسمان بلند کردند.^{۱۰} به فرشته ای که با من تکلم می کرد، گفتم: «اینها ایفه را کجا می برند؟»^{۱۱} مرا گفت: «این برای ساختن خانه ای برای او^h در سرزمین شنعار^g است، و هرگاه حاضر شد، آن را در آنجا روی اساسش خواهند گذاشتⁱ.»

رؤیای هشتم: ارابه ها

۶ ^۱ بار دیگر چشمانم را بلند کردم و رؤیایی دیدم: چهار ارابه بودند که از میان دو کوه خارج می شدند، و کوه ها کوه هایی مفرغی^j بودند. ^۲ ارابه نخست ^{۸:۱} اسپانی حنایی داشت، ارابه دوم اسپانی سیاه، ^۳ ارابه سوم اسپانی سفید، و ارابه چهارم اسپانی ابلق، نیرومند^k. ^۴ من رشته سخن را به دست گرفتم و به فرشته ای که با من تکلم می کرد، گفتم: «اینها چیست،

h منظور برای زنی است که در ایفه محبوس است.

g این نماد امپراطوری های بزرگ است، جایگاه قدرت طلبی بت پرستی (پید ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۲؛ اش ۱۱: ۱۱؛ دان ۲: ۱). ترجمه یونانی و سریانی و تارگوم این نماد را تصریح کرده اند و آورده اند: «بابل».

i شرارت از سرزمین مقدس اخراج خواهد شد و در دوردست ها، در امپراطوری خود بسر خواهد برد.

j نبی از عناصر اسطوره ای استفاده می کند که برای خوانندگان آشنا بود. در برخی از نقوش بابل، دو کوه باز نمودی است از ورود به اقامتگاه خدایان.

k «نیرومند» احتمالاً توضیحی است که بر اساس آیه ۷ وارد این آیه شده است.

l قرائت عبری: «اینها چهار باد آسمان هستند که پس از ایستادن در برابر ارباب زمین جلو می روند». ترجمه ما با اندکی اصلاحات در حروف بی صدای متن به دست آمده و با مجموع رؤیا سازگارتر است. این ارابه ها مأموریتی مشابه اسب سواران رؤیای اول به انجام می رسانند.

m عبارت عبری بسیار موجز است. متن ما حاوی قرائت تحت اللفظی است. توجه کنید که به اسبان حنایی اشاره ای نشده است. اشاره به آنها احتمالاً تصادفاً از قلم افتاده و همین امر سبب شده که جمله مربوط به اسبان سیاه اینقدر دشوار شود.

n «سرزمین شمال» (آیه ۸) یعنی بابل (ر.ک. ۱۰: ۲) «به سوی سرزمین غرب» اصلاحی است که ما وارد کرده ایم؛ قرائت عبری چنین است: «به سوی عقب آنها؟» به این ترتیب، می بینیم که چهار ارابه آیه ۲، به سه تقلیل یافته، و مسیرهایشان عملاً به دو مسیر.

o «روح یهوه»: یعنی جان و خشم یا تندی او توسط تهذیب دشمنان قوم خود آرام خواهد گرفت. ر.ک ار ۱۲: ۱۴-۱۳.

q منظور بابل است. خدا در میان تبعیدیان بیداری مناسبی ایجاد خواهد کرد تا ایشان نیز در بازسازی معبد شراکت جویند، همانطور که در بخش بعدی خواهیم دید.

p «آرام بخشیدن»، آنها ابزاری هستند برای کار پردوام روح خدا در سرزمین شمال.

تاجگذاری نمادین یهوشع

کلام یهوه به این مضمون بر من فرا رسید^۹ «از میان تبعیدیان، از حلدای، از طوبیا و از یدعیای برگیر^T... تو خودت خواهی رفت در این روز، به خانه یوشیا پسر صفنیاس^S خواهی رفت که از بابل رسیده است؛^{۱۱} نقره و طلا خواهی گرفت و تاجی خواهی ساخت و آن را بر سر یهوشع^T پسر یهوصادق، کاهن اعظم خواهی گذارد. ^{۱۲} به او خواهی گفت: چنین سخن می گوید یهوه^{۸:۳} لشکرها: اینک مردی که نامش «جوانه^U» است و از آنجا که هست، جوانه خواهد زد؛ او معبد یهوه را بنا خواهد کرد. ^{۱۳} هم او است که معبد یهوه را بنا خواهد کرد. او

۲- سمو ۷:۱۳؛
۱- پا ۸:۲۰

جبروت خواهد داشت^V، و بر تخت سلطنت خود نشست، سلطه خواهد راند. کاهنی بر دست راستش خواهد بود^W و توافقی کامل میان آن دو وجود خواهد داشت. ^{۱۴} و اما در مورد تاج، آن برای حلدای^X و طوبیا و یدعیای و برای یوشیا پسر صفنیاس^Y خواهد بود، یادگاری ای در معبد یهوه.

^{۱۵} «و مردمانی که در دوردست‌ها هستند^Z، آمده، و در بنای معبد یهوه کار خواهند کرد. و خواهید دانست که یهوه^{۸:۳} لشکرها مرا به سوی شما فرستاده است. این امر واقع خواهد شد چنانچه به صدای یهوه، خدای خود به راستی گوش فرا نش^{۱:۲۸} دهید».

T در قرائت یونانی چنین تصریح شده: «برو و چیزهایی را که از تبعید آمده برگیر».

S احتمالاً منظور کاهن، دوست ارمیا است که در سال ۵۸۷ ق.م. به تبعید رفته (ر.ک. ۲- یاد ۲۵:۱۸؛ ار ۲۹:۲۵، ۲۹:۳۷؛ ۳:۳۷). می توان اینطور استنباط کرد که پسرش یوشیا شخصیتی مهم در اورشلیم بوده که تبعیدی های بازگشتی را نزد خود می پذیرفته است.

t بر اساس متن در حالت کنونی اش، این کاهن اعظم است که نشانه های اقتدار را دریافت می دارد. این نشان می دهد که کاهنان تمام قدرت حکومت داخلی جامعه را به دست گرفته اند. با این حال، احتمال بسیار هست که متن در شکل اولیه اش، در اینجا نام زوربابل را آورده باشد، که این امر با مقام رهبری او که از سلسله داود نیز بود و تصویری از مسیح بود سازگارتر است (ر.ک. ۸:۳؛ حجی ۲:۲۳)؛ هم چنین او بود که کار بازسازی معبد را آغاز کرد (آیه ۱۳).

U «جوانه»: ر.ک. ۸:۳. تنها میتوان به یک پسر داود اشاره کند یعنی ان مسیح. ر. کار ۲۳:۵؛ ۳۳:۱۵؛ اش ۴:۲؛ ۱۳:۶.

V این «جبروت» در کتاب مقدس اغلب یکی از صفات خدا است (ر.ک. حب ۳:۳؛ مز ۸:۲؛ ۱۳:۱۴۸؛ ایوب ۳۷:۲۲) و گاه نیز خصوصیت پادشاه (ر.ک. مز ۲۱:۶؛ ۴۵:۴؛ ار ۲۲:۱۸؛ ۱- توا ۲۹:۲۵).

W این اشاره به تخت سلطنت دوم حاکی از این است که متن در شکل اولیه اش دو شخصیت متفاوت را معرفی می کرده است (ر.ک. توضیحات ۱۱:۶). این امر در قرائت یونانی که ما مورد استفاده قرار داده ایم روشن تر است از قرائت عبری که می گوید: «کاهنی بر تخت سلطنت او خواهد نشست». در اینجا منظور این است که کاهنی در دست راست زوربابل خواهد نشست؛ این امر با ذکر اینکه میان آن دو توافق و آرامش خواهد بود تأکید می شود. بدینسان، متن در اصل حکومتی با دو رهبر را مورد تأکید قرار می داده، مانند رؤیای پنجم در ۱۴:۴.

X در قرائت عبری می گوید: «حلم» که تغییر شکلی است برای حلدای. حلدای نفر اول از چهار شخصیتی است که در آیه ۱۰ از آنها نام برده شده است.

Y تاج پس از آنکه با حرکتی نمادین از سوی نبی در حق یهوشع - یا بهتر است گفته شود زوربابل - اعمال شد، در معبد نگاهداری خواهد شد تا یادآوری عمل سخاوتمندانه تبعیدیون باشد و نیز استقبالی که ایشان در اورشلیم دریافت داشتند.

Z اینها اعضای پراکندگان یهود هستند، خصوصاً پراکندگان در بابل (ر.ک. ۸:۶) که جامعه اورشلیم منتظر بودند تا در امر بازسازی معبد کمکشان کنند.

کتاب گفتارها

مشاوره در خصوص روزه یادآوری

۷ باری، در سال چهارم داریوش پادشاه، در چهارم ماه نهم^a، در کیسلو^b، بیت ئیل شرآصر، مجوسی بزرگ پادشاه و مردمانش [هیأتی^c] فرستادند تا روی یهوه را آرام سازند^d و به کاهنان خانه یهوه لشکرها و به انبیا بگویند: «آیا باید در ماه پنجم^e گریه کنم و پرهیز اختیار نمایم، همان گونه که همه این سال ها چنین کرده ام؟»

خروج ۱۱:۳۲
مزمز ۵۸:۱۱۹

مزمز ۱۸:۲۱
مزمز ۱۰:۱۳۷
یول ۱۷-۱۲:۲

درسی از گذشته

۴ کلام یهوه به این مضمون بر من فرا رسید: «با تمام مردم سرزمین و با کاهنان به این مضمون سخن بگو: آن گاه که روزه

گرفتید و نوحه سرایی کردید، در [ماه] اش ۵:۵۸
مت ۱۶:۶
پنجم و هفتم^f، و این کار را از هفتاد سال^g پیش (کرده اید)، آیا برای من است، برای من است که این همه روزه گرفته اید؟^۶ و چون می خورید و چون می نوشید، آیا شما نیستید که می خورید و می نوشید^h؟ آیا اینها سخنانی نیست که یهوه به واسطه خدمت انبیای کهن اعلام داشته، آن هنگام که اورشلیم مسکونی و آرام بود، و نیز شهرهای پیرامون آن، و ننگ و زمین هموار مسکونی بود^۱؟»

۸ کلام یهوه به این مضمون بر زکریا فرا

رسید: «چنین سخن می گوید یهوه لشکرها: ۳:۵

عدالتی راستین را به جا آورید، در حق

یکدیگر وفاداری و شفقت روا دارید. ۱۰ بیوه

زن و یتیم و غریب و فقیر را مورد بهره کشی اش ۱:۱۶-۱۷

a در متن عبری در اینجا عبارتی اضافی هست که چنین می گوید: «کلام خداوند بر زکریا فرا رسید». اما به نظر می رسد که این عبارت اضافه ای از سوی ویراستار باشد. این عبارت باعث وقفه در فرمول متعارف تاریخگذاری می شود و با محتوای دو آیه بعدی که حالت روایتی ساده ای دارد و وحی نیست، سازگار نمی باشد.

b یعنی نوامبر سال ۵۱۸ ق.م.

c متن عبری این آیه حالتی مخدوش دارد و تمام ترجمه های قدیمی درباره آن تردید روا داشته اند. قرائت تحت اللفظی آن چنین است: «و بیت ئیل شرآصر و رجم ملک و مردانش را فرستاد...» مشکلات این قرائت تحت اللفظی، چه از نظر متن عبری و چه از نظر معنای کلی، سبب شده که قرائت ما این گونه باشد که ترجمه کرده ایم. بیت ئیل شرآصر نامی است که با ترکیب اسم الهی ساخته شده و مشابیه آن در بابل و در متون الفانتین یافت می شود. این شخص، مانند شیشبصر و زوربابل، می تواند یک اسرائیلی باشد که به مقامات بلند اداری رسیده است. اصطلاح مجوسی دلیل دیگری است بر اینکه هیأتی با چنین اهمیتی از بیت ئیل که در سه ساعتی اورشلیم قرار داشت نیامده است. سؤال مطرح شده نیز مربوط به تبعیدی ها است: با بازسازی معبد، آیا روزه یادآوری هنوز لازم است؟ لذا این هیأت از بابل به اورشلیم آمده بوده که سه ماه و نیم بعد از روزه ماه پنجم رسیده: و این دقیقاً به موضوع مورد بحث مربوط می شود.

d ر.ک ۸:۲۲؛ خروج ۱۱:۳۲-۱:۱۱-۱۳:۱۲-۱:۱۳-۶:۱۳؛ ۱۹:۲۶ و غیره.

e ماه ژوئیه که سالروز سقوط اورشلیم در ۵۸۷ ق.م. بوده (۲- یاد ۸:۲۵).

f به یاد سقوط اورشلیم و قتل جدلیا، حاکم یهودا که دو ماه بعد از آن رخ داد (۲- یاد ۲۵:۲۵؛ ۳- یاد ۱:۴۱).

g این رقم در قیاس با واقعیت، اندکی گرد شده. بر اساس ۱:۷، ما اینک در سال ۵۱۸ ق.م. هستیم، یعنی ۶۹ سال پس از ویرانی اورشلیم و معبد. نویسنده به مدت واقعی اندکی می افزاید تا نماد عدد ۷۰ را که به مدتی طولانی اشاره دارد به کار ببرد (ار ۱۱:۲۵؛ ۱۰:۲۹).

h تحت اللفظی: «آیا خوردگان و نوشندگان شما نبودید؟» به هنگام روزه و نیز به هنگام ضیافت های قربانی ها، افراد صرفاً به فکر خودشان بودند، نه به فکر تکریم کردن خدا.

i گذشته ملت حالا دیگر به صورت آرمانی در آمده است. اگر قوم به پیام نبوت گوش سپرده بودند - که خلاصه ای از آن در پی آمده است - مصیبت از آن دور می شد. موعظه زکریا با موعظه انبیای پیش از او یکسان انگاشته شده است.

و با غضبی عظیم برای وی حسود هستم.
 ۳ چنین سخن می گوید یهوه:
 به سوی صهیون باز آمده ام
 و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد؛ اش ۱۲:۶۲
 اورشلیم نامیده خواهد شد «شهر
 وفاداری»

و کوه یهوه لشکرها، «کوه مقدسⁿ»
 ۴ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:
 مردان و زنان سالخورده بار دیگر خواهند
 نشست

در میدان های اورشلیم،
 هر یک با چوبدستش در دست
 به سبب تعداد روزهایش^o.

۵ و میدان های شهر آکنده خواهد شد
 از پسرکان و دخترکان
 که در میدان ها بازی می کنند.

۶ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:
 اگر این غیرممکن به نظر می رسد^p
 در نظر بازمانده این قوم،

آیا در نظر من نیز غیرممکن می رسد؟
 - وحی یهوه لشکرها.

۷ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:
 این قوم را نجات می دهم
 از کشور طلوع آفتاب
 و از کشور غروب خورشید.

قرار ندهید، و در دل خود نسبت به یکدیگر
 بد نیندیشید. ۱۱ اما ایشان نخواستند که
 توجه کنند؛ ایشان شانه ای سرکش نشان
 دادند و گوش خود را سنگین کردند تا
 نشنوند؛ ۱۲ ایشان برای خود دلی از الماس
 ساختند تا تعلیم و سخنانی^l را که یهوه^{۱۰:۶}
 لشکرها با روح خود، به واسطه خدمت انبیای
 کهن فرستاده بود گوش نگیرند. آنگاه غضبی
 عظیم از جانب یهوه لشکرها پدید آمد، ۱۳ و
 این امر واقع شد: همان گونه که او می خواند
 و ایشان گوش نمی گرفتند^k، به همان گونه
 ایشان خواهند خواند و من گوش نخواهم
 گرفت، یهوه لشکرها می فرماید. ۱۴ من ایشان
 را همچون طوفان نزد تمامی ملت هایی بردم
 که ایشان را نمی شناختند، و سرزمین در پس
 ایشان ویران شد، و کسی نیست که عبور کند
 یا باز آید. از سرزمین از لذت ها ویرانه ای
 ساخته اند^l».

اش ۱۰:۶
 ار ۱۲:۱۸
 حز ۴:۲
 حز ۱۹:۱۱
 ۲-پا ۱۷:۱۴
 نوح ۱۶:۹

مواهب مسیحایی آینده

۱ کلام یهوه به این مضمون^m

فرارسید:

۲ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:

۱۴:۱ با حسادتی عظیم برای صهیون حسود
 هستم

بید ۱۴:۱۸
 ار ۲۷:۳۲
 اش ۲:۵۰
 لو ۳۷:۱

ج «تعلیم (تورات) و سخنان» بیانگر محتوای کلی مکاشفه الهی است. در اینجا نخستین طرح از فرمولی را مشاهده می کنیم که
 بعدها به صورت کلاسیک در آمد، یعنی فرمول «تورات و انبیا» (متی ۷:۱۲:۲۲:۴۰).

k نبی نخست از جانب خدا سخن می گوید، اما بعد بلافاصله اعلام مجازات را خود خدا بیان می دارد.

l نبی طی خلاصه ای چشمگیر، فاجعه سال ۵۸۷ ق.م. را به یادها می آورد.

m حدود چهل نسخه خطی عبری و ترجمه سریانی چنین قرائت می کنند: «به این مضمون بر من فرا رسید».

n این نام های جدید بیانگر تحولی درونی در میان قوم است، و بیانگر آشتی ایشان با خدا می باشد.

o منظور این است که ایشان توانسته اند بعد از مدتی طولانی از زندگی آرام، به سالخوردگی سعادت آمیز برسند.

p قرائت عبری: «در این روزها...» ما این مصرع را حذف کرده ایم چون بی فایده است و با متن سازگار نیست. اگر این مصرع را
 مد نظر قرار دهیم، می توانیم چنین نتیجه بگیریم که نبی آنقدر نسبت به قطعیت وحی تسلی بخش خود اطمینان داشته که خود را
 عملاً در آینده مشاهده می کند.

ایشان را خواهیم آورد^۸
و در میان اورشلیم ساکن خواهند شد؛
ایشان قوم من خواهند بود،
و من خدای ایشان خواهم بود
در راستی و در عدالت^۹.
چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:
بادا که دستانتان قوی باشد،
ای شما که می شنوید، در این روزها،
این سخنان را از دهان انبیا [که اعلام
شده بود] از روزی که بنیادهای خانه یهوه
گذاشته شد برای ساختن معبد^{۱۰}.
زیرا پیش از این روزها،
اجرتی برای انسان نبود
و اجرتی برای احشام نبود،
و برای آن کس که می رفت یا می آمد
آرامشی نبود، به سبب دشمن؛
من همه انسان ها را علیه یکدیگر رها
ساخته بودم.
اما اینک در قبال بازمانده قوم، دیگر
مانند روزهای کهن نیستم - وحی یهوه
لشکرها.
زیرا اینها بذرهای آرامش هستند^{۱۱}.
درخت مو میوه خود را خواهد داد،
زمین محصول خود را خواهد داد،

و آسمان شبنم خود را خواهد داد؛
من همه اینها را به بازمانده قوم به حجی ۱۹:۲
میراث خواهم داد.
^{۱۳} و به آن سان که در میان ملت ها لعنت
بودید،
ای خاندان یهودا و ای خاندان اسرائیل،
به همان سان شما را نجات خواهم داد و
برکت خواهید بود^{۱۴}.
مترسید! بادا که دستانتان قوی باشد!
زیرا چنین سخن می گوید یهوه لشکرها:
به آن سان که بر آن شدم تا به شما بدی
برسانم، آن هنگام که پدران شما مرا به
خشم می آوردند، یهوه لشکرها می فرماید،
و از آن پشیمان نشدم، ^{۱۵} به همان سان،
تغییر عقیده داده ام و بر آن شده ام، در این
روزها، که به اورشلیم و به خاندان یهودا
خیریت برسانم. مترسید! ^{۱۶} این است
کارهایی که باید بکنید: هر یک به همسایه^{۱۷}
خود راست بگویید، در دروازه های خود^{۱۸}
داوری های آرامش را به جا آورید، ^{۱۷} در
دل خود در حق یکدیگر بد میندیشید، و
سوگند دروغ را دوست مدارید. زیرا از همه^{۱۹} ۳:۵
این چیزها است که من نفرت دارم - وحی
یهوه».

ار ۳۳:۳۱
حز ۲۳:۳۷

حجی ۱۵:۲

q خدا ابتکار عمل را در برقراری مجدد عهد به دست می گیرد، عهدی که مبتنی است بر وفاداری و عدالت. این امر از یک سوی مستلزم تعهد اخلاقی قوم است (۱-۳:۳:۳:۴:۲)، و از سوی دیگر تضمینی است رایگان از جانب خدا (اش ۵:۱۱: مز ۱۹:۱۰: ۱۴:۸۵).

r وحی موجود در ۸:۹-۱۳ وحدت ادبی مناسبی را تشکیل می دهد. محتوای آن، یعنی تشویق، یادآوری سرخوردگی های گذشته، و وعده های مربوط به کامیابی و رونق، پیام حجی را به خاطر می آورد (حجی ۱:۵: ۱۱-۱۱:۲: ۴-۵: ۲:۱۶-۱۷). این وحی بیشتر با اوائل خدمت زکریا مناسبت دارد، یعنی آن زمان که بناکنندگان می بایست تشویق و دلگرم شوند.

s ق.ت.ل: «بذرهای آرامش وجود خواهد داشت» (ر.ک. ۱-۲۶:۵).

t قوم اسرائیل وقتی دچار مجازات تبعید شد، به نوعی باز نمودی گردید از لعنت. تفقد مجدد از ایشان نیز در نظر بت پرستان، بیانگر برکتی خواهد بود که ایشان نیز خواهان شراکت در آن را خواهند بود.

u بزرگان شهر برای رسیدگی به امور قضایی و صدور حکم، در دروازه گرد می آمدند (روت ۴:۱: عا ۵:۱۰).

آن روزها، ده نفر^۷ از تمام زبان‌های ملت‌ها دامن جامه^۸ یک یهودی^۹ را گرفته، خواهند گفت: می‌خواهیم با شما بیاییم، زیرا آگاه شده‌ایم که خدا با شما است».

اسرائیل در میان قوم‌ها داوری و تطهیر قوم‌های مجاور

۹ ^۱وحی. کلام یهوه.
به سرزمین حدراخ^a

و از دمشق خواهد بود مکان استراحت او؛
زیرا به یهوه تعلق دارد چشمه^b آرام،
همانند تمامی قبیله‌های اسرائیل؛
^۲ و نیز حیات که با آن هم مرز است،
[و] صور و صیدون.

به واسطه^۳ حکمت عظیمش
صور دژی برای خود ساخته؛

نقره را به سان غبار انباشته
و طلای خالص را همچون گل کوچه‌ها.
^۴ اینک خداوند آن را به مالکیت خود در
خواهد آورد،

حصارش را در دریا خواهد کوفت،
و خودش با آتش از میان خواهد رفت.

پاسخ به مشاوره در مورد روزه
^{۱۸} کلام یهوه لشکرها به این مضمون بر
من فرا رسید:

^{۱۹} «چنین سخن می‌گویند یهوه لشکرها:
روزه [ماه] چهارم، روزه [ماه] پنجم، روزه
[ماه] هفتم، و روزه [ماه] دهم^۷ برای
خاندان یهودا تبدیل به وجد و شادی و
مراسم زیبا خواهد شد.

اما راستی و آرامش را دوست بدارید!

^{۲۰} چنین سخن می‌گویند یهوه لشکرها:
بار دیگر قوم‌ها

و ساکنان شهرهای بزرگ خواهند آمد.
^{۲۱} ساکنان یک شهر به سوی شهر دیگر
رفته، خواهند گفت:

برویم، برویم روی یهوه را آرام کنیم
و یهوه لشکرها را بجوئیم،
من نیز می‌خواهم به آنجا بروم^w.

^{۲۲} قوم‌های بی‌شمار و ملت‌های نیرومند
خواهند آمد

تا یهوه لشکرها را در اورشلیم بجویند
و روی او را آرام سازند^x.

^{۲۳} چنین سخن می‌گویند یهوه لشکرها: در

^۷ نبی به روزه‌هایی که در ۳:۷ به آنها اشاره شد، دو روزه را می‌افزاید: روزه^۷ ماه چهارم که به یاد ایجاد رخنه در حصار اورشلیم بود، و روزه^۸ ماه دهم که آغاز تبعید بود (۲-پاد ۲۵:۱-۴).

^w این گفتار بدون هیچ جمله انتقالی، از زبان شهری بیان شده که به آن شخصیت بخشیده شده است.

^x این وعده‌ای است در خصوص ازدیاد قوم در اثر پذیرفتن اقوام بت‌پرست به داخل جامعه خود. با این حال در تفکر مبتنی بر جهان‌شمول شدن مذهب محدودیتی در اندیشه^۷ نبی مشاهده می‌شود، چرا که کماکان این اورشلیم است که همه باید در آن متمرکز گردند.

^y در کتاب مقدس، عدد «ده» به طور نمادین، گاه به گروهی بی‌شمار اشاره دارد (لاو ۲۶:۲۶)، گاه به هیأتی تشکیل یافته (داور ۲۷:۶؛ روت ۲:۴؛ ۲-پاد ۲۵:۲۵). منظور این است که گروندگان جدید به تعداد زیاد و گروه‌های فشرده خواهند آمد.

^z کاربرد اصطلاح «یهودی» (یعنی اهل یهودا) در کتاب مقدس نسبتاً متأخر است. استفاده رایج تر آن فقط از کتاب‌های نحیمیا و استر به بعد دیده می‌شود (نج ۱:۲؛ استر ۲:۵؛ ۳:۶، ۱۰، ۱۳). حالت بسیار «یهودی» این آیه می‌تواند حاکی از آن باشد که این وحی مربوط به زمانی بعد از زکریا می‌باشد.

^a «حدراخ» پایتخت ایالت لاجاش در شمال سوریه.

^b قرائت عبری: «چشم آدم». ما به جای «آدم»، قرائت کرده‌ایم «آرام» (یعنی سوریه) که با «حدراخ» سازگار است. «چشم» استعاره‌ای است برای اشاره به دمشق، پایتخت آرام.

۵ اشقلون این را دیده، خواهد ترسید،
و نیز غزه، و در تمام اندامهایش لرزه
خواهد افتاد،
و نیز عقرون، چرا که امیدش سرافکننده
شده^c؛
پادشاه از غزه ناپدید خواهد شد،
و اشقلون دیگر مسکونی نخواهد گردید^d؛
۶ حرامزاده ای^e در اشدود ساکن خواهد شد.
تکبر فلسطینیان را ضایع خواهیم کرد،
۷ خونش را از دهانش خواهیم زدود
و کثافاتش^f را از میان دندانهایش.
او نیز بازمانده ای خواهد شد برای
خدای ما،
در یهودا همچون رئیسی خواهد شد،
و عقرون همچون یک یبوسی^g خواهد
گشت.

۸ نزدیک خانه ام^h به سان محل نگهداریⁱ
اردو خواهیم زد
بر علیه هر کس که عبور کند یا باز
گردد^j؛
زندانیان از نزد ایشان دیگر بار عبور
نخواهد کرد،
زیرا اکنون به چشمان خود دیده ام!
خرو^{۳:۷، ۹}

۹ مسیحای فروتن و صلح جو
با تمام جان خود وجد نما، ای دختر
صهیون^k!
فریاد شادی سرده^l، ای دختر اورشلیم!
اینک پادشاهت نزد تو می آید؛
او عادل است و پیروزمند^m،
فروتن و سوار بر الاغ،
بر کره الاغ، کوچک ماده الاغⁿ.

پید ۴۹:۱۱؛
مت ۲۱:۵

c منظور از «امیدش»، شهر صور است که بر تمام اقتصاد شهرهای ساحلی مسلط بود.
d شهرهایی که در آیات ۵ و ۶ مورد اشاره قرار گرفته اند، از مهم ترین شهرهای ناحیه فلسطین بودند (یوشع ۱۳:۲-۳؛ عا ۱:۶-۸؛ صف ۲:۴-۷).
e منظور از این اصطلاح، اشاره به نژادی مختلط است که در آن، یکی از والدین یهودی و دیگری بت پرست است. تث ۳:۲۳ آنها را از جامعه قوم اسرائیل طرد کرده است. این مردم مختلط و بی حیثیت جایگزین فلسطینیان خواهند گشت.
f منظور گوشتی است که از نظر آیینی خونش بیرون نیامده (پید ۹:۴؛ لاو ۱۹:۲۶؛ حزق ۱۸:۶ و ۳۳:۲۵) و نیز گوشتی که به بت ها تقدیم شده و مکروه است (اش ۳:۶۶).
g فلسطینیان از موقعیت یبوسیان بهره مند خواهند شد؛ داود به هنگام تصرف این شهر، مردمان آن را زنده نگاه داشت (۲ سمو ۵:۶-۹) و ایشان در صلح و صفا در میان قوم خدا زندگی کردند (ر.ک. یوشع ۱۵:۶۳؛ داور ۱:۲۱).
h منظور از «خانه» در اینجا تمام سرزمین است (هو ۸:۱؛ ۹:۱۵؛ ار ۱۲:۷؛ مز ۱۱۴:۲) و نه فقط معبد اورشلیم.
i قرائت عبری: «میصاوا» (یعنی «بیرون از لشکر») که ما آن را بر اساس قرائت یونانی اصلاح کرده، قرائت کرده ایم «مَصاوا» (یعنی محل نگهداری، قرارگاه؛ ر.ک. ۱ سمو ۱۴:۱۲).
j منظور دشمنان سنتی قوم اسرائیل است.
k در روایت ورود عیسی به اورشلیم، چهار انجیل به این آیه اشاره می کنند، اما متی (۵:۲۱) و یوحنا (۱۵:۱۲) آن را به وضوح نقل قول می کنند.
l منظور فریاد شادی و هلهله تشریفاتی است، یا برای آغاز جنگی مقدس (اعد ۱۰:۹؛ یوشع ۱۰:۶؛ ۱ سمو ۱۷:۲۰)، یا برای اعلام پادشاهی خداوند (صف ۳:۱۴؛ مز ۴۷:۲؛ ۹۵:۱؛ ۹۸:۴-۶).
m ق.ت.ل: «نجات یافته» این اصطلاح بیانگر اعانت الهی است برای رهایی صهیون از تمامی دشمنانش.
n اصطلاح «کوچک ...» بارها در کتاب مقدس اشاره دارد به انسان یا حیوان بسیار جوان (ر.ک. اعد ۸:۸؛ ایوب ۴:۱۱؛ مز ۱۴۷:۹؛ امث ۷:۷). ترجمه یونانی نیز آن را در همین معنا گرفته است.

^{۱۳} زیرا کمان را بسته ام، یعنی یهودا را؛
آن را به افراییم^{۱۴} مسلح ساخته ام.
پسرانت را به دست خواهم گرفت، ای
صهیون،
بر علیه پسران تو، ای یواو^{۱۵}.
تو را همچون تیغ قهرمانان خواهم
ساخت.
^{۱۴} و بر فراز ایشان یهوه ظاهر خواهد شد،
و تیرش همچون برق خواهد رفت.
خداوند یهوه کرنا را خواهد نواخت^{۱۶}
و در طوفان های جنوب پیش خواهد
رفت^{۱۷}.
^{۱۵} یهوه لشکرها ایشان را محافظت خواهد
کرد؛
سنگ های فلاخن را از بین برده، پایمال
خواهند کرد،
خون ایشان را همچون شراب خواهند
نوشید^{۱۸}،

^{۱۰} ارا به ها را از افرایم نابود خواهد
ساخت^{۱۹}،
و اسبان را از اورشلیم؛
کمان جنگی نابود خواهد شد. ^{۴:۲}
صلح و آرامش را به ملت ها اعلام خواهد
داشت.
امپراطوری اش از دریا تا به دریا گسترده
خواهد شد
و از آن نهر^{۲۰} تا اقصای زمین^{۲۱}.
^{۸:۷۲} مز
^{۲۱:۴۴} بنسی

آزادی اسیران

^{۱۱} اما تو، به سبب خون عهدت^{۲۲}
اسیرانت را از چاه بی آب^{۲۳} باز پس
خواهم فرستاد.
^{۱۲} به مکان مستحکم باز آید^{۲۴}،
ای اسیران [سرشار] از امید؛
همین امروز این را اعلام می کنم:
تو را دو برابر خواهم داد.

O قرائت عبری: «نابود خواهم ساخت» اما برای یکپارچگی گفتار، بهتر است قرائت یونانی را دنبال کنیم و بنویسیم «نابود خواهد کرد» تمام این متن به توصیف عمل مسیحای موعود می پردازد.
P منظور رود فرات است.
Q این فرمول از سبک دربار بابل به عاریت گرفته شده و یادآور گسترش آرمانی مملکت اسرائیل در عهد سلیمان می باشد: ر.ک. پید ۱۸:۱۵؛ ۱-۵:۵ و ۴:۸؛ ۶۵:۸۰؛ مز ۱۲:۸۰.
T منظور عهدی است که در سینا بسته شد که همراه بود با قربانی ها و پاشیدن خون (خروج ۲۴:۴-۸).
S آب انبارهایی که کمابیش خشک بودند، می توانست به عنوان زندان استفاده شود (پید ۲۰:۳۷-۲۹؛ ار ۳۸:۶).
U اورشلیم که مجدداً سامان یافته، پناهگاهی امن در مقابل هر مشکل جدیدی خواهد بود.
U یهودا و افراییم در اینجا در نبرد با هم متحد می شوند؛ شقاق و تجزیه قدیمی میان دو مملکت از میان برداشته شده است.
V در کتاب مقدس، «یواو» اشاره دارد گاه به مناطقی که فرهنگی یونانی دارند (پید ۱۰:۲-۵؛ حزق ۲۷:۱۳)، و گاه، مانند اینجا، به اقوام متخاصم با اسرائیل که به هنگام نبرد بزرگ و نهایی میان خدا و دشمنانش دلیل خواهند شد (اش ۱۹:۶۶؛ حزق ۳۸:۳؛ یول ۴:۶).
W «نواختن کرنا» اعلام کننده ورود شکوهمند خدا است (خروج ۱۶:۱۹)، و خصوصاً ظهور او برای داوری (اش ۱۳:۲۷؛ ار ۵:۴؛ مت ۲۴:۳۱).
X ق.ت.ل: «تیمان» (جنوب). بر برخی متون که چند مورد آن متقدم است، خدا از جنوب می آید و این امر مربوط می شود به ماجرای سینا (تث ۳۳:۲؛ داور ۵:۴؛ حب ۳:۳-۴؛ مز ۱۸:۸-۱۵). ظهور معادشناختی خدا از شمال در متون متأخرتر ذکر شده که شاید برخاسته از اسطوره های فنیقی باشد که مسکن خدایان را در شمال می پنداشت (اش ۱۳:۱۴؛ حزق ۱۴:۴؛ ۲۸:۱۴).
Y متن عبری چنین قرائت می کند: «خواهند نوشید و مانند شراب هیاهو خواهند کرد». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

آری، ترافیم‌ها بطلت می‌گویند^e
و غیب‌گوها رؤیاهای دروغین می‌بینند،
خواب‌های فریبنده بیان می‌کنند
و تسلی‌های بیهوده می‌دهند.
به همین سبب است که مردمان^f همچون
گوسفندان رفته‌اند؛
رنج می‌برند چرا که چوپانی نیست^g.

جز ۳۴:۵

خروجی نوین

بر علیه چوپانان خشم من بر افروخته شده
و بزها را مجازات خواهم کرد^h.
زیرا یهوه لشکرها گله‌اش را ملاقات
خواهد کرد،
خاندان یهودا را؛

او را خواهد ساخت همچون اسبان
افتخار آمیز خود در نبرد.

از اوⁱ سنگ زاویه بیرون خواهد آمد، از
او آن تیر چوبی^j،
از او کمان جنگی،
از او تمام بزرگان.
جملگی^k همچون قهرمانان خواهند بود

ار ۳۰:۱۱

از آن آکنده خواهند شد، همچون جام
آب پاشی،
همچون زاویه‌های قربانگاه^z.
یهوه، خدایشان ایشان را نجات خواهد
داد
در آن روز، همچون گله‌ای که همانا
قومش باشند.

اش ۶۲:۳ آری، ایشان سنگ‌های تاج^a خواهند بود
که بر زمینش برق می‌زند؛

آری^{۱۷}، چه سعادت‌مند خواهد بود
و چه زیبا^b!
گندم مردان جوان را کامیاب خواهد
ساخت

و باده تازه باکره‌ها را^c. ۱۳-۱۲:۳۱

بطلت بت‌ها

از یهوه باران را بخواهید
به هنگام باران بهاری^d.
برق‌ها را یهوه پدید می‌آورد؛
او به ایشان باران رگبار خواهد داد،
گیاه را به هر کس در مزرعه‌اش.

تث ۲۸:۱۲-۱۰
۱-۱۸:۳۰-۴۵

Z این تصاویر یادآور آیین‌های قربانی است (ر.ک. خروج ۲۹:۱۲؛ لاو ۴:۷؛ ۸:۱۵؛ ۱۶:۱۸).

a منظور سنگ‌های گران بها است.

b منظور سعادت و زیبایی قوم است.

c پس از جنب و جوش‌های نبرد نهایی، سرزمین در آرامشی تغزلی (غزل‌گونه) فرو خواهد رفت.

d منظور باران‌هایی است در آخر بهار که مانع از خشک شدن غلات می‌شود پیش از آنکه محصول برسد.

e «ترافیم» یعنی «گنبدیگی»: این نام است تحقیر آمیز برای بت‌های خانگی که از آنها انتظار وحی می‌رفت. ر.ک. پید ۳۱:۱۹؛ داوود ۱۸:۱۴-۲۰؛ ۱- سمو ۱۹:۱۳-۱۶؛ خروج ۲۶:۲۱.

f ق.ت.ل: «گمراه شده‌اند»، یعنی مردمان، نه بتها.

g این بخش کوتاه، یعنی ۱۰:۱-۲ که دو وحی بزرگ مربوط به نبرد تطهیر کننده را به هم مرتبط می‌سازد، یعنی بخش‌های ۹:۱۰-۱۷ و ۱۰:۳-۱۲ را، یادآوری می‌کند که نجات دهنده خدا است و نه بت‌های گمراه کننده.

h منظور بزرگان اسرائیل نیست، بلکه بزرگان ممالک بیگانه است که بر قوم برگزیده ستم رانده‌اند.

i یعنی از یهودا.

j «سنگ زاویه» دلالت دارد بر بزرگان اسرائیل که جمیعاً گرد آمده‌اند (داوود ۲۰:۲؛ ۱- سمو ۱۴:۳۸). «تیر چوبی» می‌تواند به گونه‌ای استعاری اشاره کند به یکی از بزرگان، مانند رئیس کاخ در اش ۲۲:۲۳، به هنگام رهایی قطعی، قوم برگزیده را بزرگان خودش رهبری خواهند کرد.

و ایشان کثیر خواهند بود، همان گونه که کثیر بودند.

^۹ من ایشان را در میان قوم ها کاشتم، اما در مناطق دوردست مرا به یاد خواهند آورد؛

پسران خود را بزرگ خواهند کرد^k و باز ت. ۳۰:۱-۳ خواهند گشت.

^{۱۰} ایشان را از سرزمین مصر باز خواهم آورد^۱

و از آشور گردشان خواهم آورد؛ ایشان را به سرزمین جلعاد و به لبنان وارد خواهم ساخت،

هو ۲:۲؛
میک ۱۴:۷

و این آنان را کفایت نخواهد کرد^m.

^{۱۱} از دریای مصر عبور خواهند کردⁿ،

او موج های دریا را خواهد زد^o و تمام ورطه های نیل خشک خواهد شد^p.

آنگاه تکبر آشور پست خواهد گردید، و چوبدست سلطنت از مصر دور خواهد شد.

^{۱۲} من ایشان را در یهوه تقویت خواهم نمود^q،

و در نام او خود را جلال خواهند داد میک ۵:۴ - وحی یهوه.

که گل کوچه ها را در نبرد پایمال می کنند؛

ایشان خواهند جنگید، زیرا که یهوه با ایشان خواهد بود،

اش ۳۱:۱ در حالی که آنان که براسبان سوار می شوند، سرافکنده خواهند شد.

^۶ من خاندان یهودا را تقویت خواهم نمود، و خاندان یوسف را نجات خواهم بخشید.

ایشان را دیگر بار برقرار خواهم ساخت، چرا که بر ایشان ترحم خواهم کرد؛

اش ۵۴:۶-۸ و ایشان آن سان خواهند بود که گویی ردشان نکرده بودم؛

زیرا من یهوه، خدای ایشان هستم، و ایشان را اجابت خواهم کرد.

^۷ کسان افراییم همچون قهرمانان خواهند بود

و دلشان شادمان خواهد شد، آن سان که با شراب [شادمان می شوند]؛

پسرانشان خواهند دید و وجد خواهند کرد،

دلشان در یهوه شادی خواهد کرد.

اش ۵:۲۶ ^۸ به دنبال ایشان سوت خواهم زد و گردشان خواهم آورد،

زیرا که رهایی شان داده ام؛

k قرائت عبری: «با پسرانشان در زندگی باقی خواهند ماند». در واقع، آیات ۸ و ۱۰ b تکتیر جمعیت را اعلام می کنند. ترجمه ما مبتنی است بر متن یونانی.

l تبعیدی ها صرف نظر از مکانی که در حال حاضر در آن پراکنده هستند، باز خواهند گشت.

m نه فلسطین و نه سرزمین های مجاور، هیچ یک برای جای دادن آنانی که باز خواهند گشت، تکافو نخواهند کرد.

n تحت اللفظی: «او از دریای تنگ عبور خواهد کرد». مضمون متن ما را بیشتر به سوی قرائت «دریای مصر» سوق می دهد تا به سوی اصطلاح غیرمتعارف «دریای تنگ».

o این جمله به خداوند اشاره می کند و او را در میانه صحنه قرار می دهد و ارتباط این بخش را با واقعه خروج قوی تر می سازد (خروج ۱۹:۱۴-۲۲).

p خشک شدن نیل قدرت مصر را کاهش می دهد و خروج اسیران را تسهیل می کند.

q تحت اللفظی: «ایشان را به واسطه خداوند شجاع خواهم ساخت» اما تمام این بخش و نیز انتهای آیه ۱۲ از خدا با ضمیر سوم شخص سخن می گوید.

ویرانی قدرت‌های بزرگ

۱۱ دروزاه هایت را بگشا، ای لبنان،
و بادا که سدره‌هایت را آتش نابود
کند.

۲ زوزه سرده، ای سرو،

زیرا سدر افتاده است،

چرا که قدرتمندان نابود شده‌اند.

زوزه سر دهید، ای چنارهای باشان^T،

زیرا آن جنگل نفوذناپذیر فرو افتاده
است.

۳ به زوزه چوپانان گوش فرا دهید،

زیرا شکوه آنان نابود شده است؛

به غرش شیربجگان گوش دهید^S،

زیرا انبوه درختان اردن نابود شده است!

تمثیل دو چوپان

۴ چنین سخن می‌گوید یهوه خدای من:

«گوسفندان قتل عام را بچران^۵، و آنانی که

خریداران نشان بدون کیفر می‌کشند و

فروشدگانشان می‌گویند: مبارک باد یهوه،

اینک ثروتمند شده‌ام! و آنانی که

چوپانانشان ترحم نمی‌کنند^۶. چرا که بر
ساکنان سرزمین دیگر ترحم نخواهد کرد.
وحی یهوه - و اینک من مردان را هر یک به
دستان چوپانش^۷ خواهم سپرد و به دستان
پادشاهش: ایشان سرزمین را له خواهند
کرد، و من ایشان را از دستشان رهایی
نخواهم داد^V.»

۷ پس گوسفندان قتل عام را برای تاجران
گوسفند^W چراندم. برای خود دو چوبدست
چوپانی تهیه کردم؛ یکی را «لطف» نامیدم
و دیگری را «بیوند» نامیدم؛ سپس
گوسفندان را چراندم^۸ و آن سه چوپان را در
یک ماه نابود ساختم^X. صبرم با آنها^۹ به
پایان رسید و آنها نیز از من بیزار شدند.
۹ گفتم: «دیگر شما را نخواهم چرانید: آن
که می‌خواهد بمیرد، بادا که بمیرد! آن که
می‌خواهد نابود شود، بادا که نابود شود! و
آنها که باقی می‌مانند، هر یک گوشت
رفیق خود را بدرند!^Z»^{۱۰} چوبدست خود،
«لطف» را گرفتم، و آن را شکستم تا عهد
خود را که با تمامی قوم‌ها بسته بودم

T «باشان» در شرق رود اردن، به خاطر چراگاه‌های غنی اش معروف بود (تث ۳۲:۱۴؛ میک ۷:۱۴)؛ همچنین نماد تکبر است (عا ۴:۱؛ حزق ۳۹:۱۸).

S دشمنان اسرائیل گاه با نماد درختان زیبا باز نموده شده‌اند، یعنی سدر (اش ۱۰:۳۳-۳۴؛ حزق ۳۱) و سرو و چنار (اش ۲:۱۳) و نیز چوپان و شیر (ار ۴۹:۱۹).

t تحت اللفظی: «چوپانش رهایی ندهد». ما این عبارت را در ترجمه اصلاح کرده‌ایم.

u تحت اللفظی: «به دستان همسایه اش». ترجمه ما حاوی اصلاحی اندک است.

v این آیه ممکن است بعداً اضافه شده باشد، زیرا تمثیل چوپانان را قطع می‌کند و چشم انداز را به کل جهان گسترش می‌دهد. در اینجا به پادشاهان عالم اشاره شده، حال آنکه تمثیل چوپانان فقط به قوم اسرائیل مربوط می‌شود.

w بخش بندی نادرست در کلمه «تاجر» (در شکل تحت اللفظی اش: کنعانیان) باعث شده که در متن عبری فعلی چنین قرائتی پدید آید: «به همین سبب فقیران». این اشتباه در متن یونانی وجود ندارد.

x آغاز آیه ۸ ظاهراً به سه کاهن بزرگ اشاره می‌کند که خوانندگان متن آنان را می‌شناختند (سه چوپان) و از میان رفتن سریع ایشان همچون مجازاتی تعبیر شده که در تمثیل برای چوپانان بدکار در نظر گرفته شده بود. از آنجا که در آیات بعدی ذکری از آنان نشده، اشاره به آنها ممکن است اضافه‌ای متأخر باشد.

y منظور گوسفندان گله است.

z گله که دیگر قابل هدایت نیست، درگیر هرج و مرجی کامل می‌شود که باعث نابودی اش خواهد شد.

شود، درمان نخواهد کرد؛ آن را که سر پا حز ۳:۳۴
است، حمایت نخواهد کرد؛ اما گوشت آن
را که فربه است خواهد خورد و سَم [همه]
را خواهد کند.

۱۷ وای به حال چوپان بی ارزش
که گوسفندان را رها می کند!
یو ۱۰:۱۲-۱۳
بادا که شمشیر بر بازویش باشد
و بر چشم راستش؛
بادا که بازویش بالکل خشک شود
و چشم راستش تماماً ضعیف گردد!

نجات و جلال آتی اورشلیم مرگی دردناک و نجات بخش ۱۲ پیشگویی. کلام یهوه در مورد اسرائیل.

وحي یهوه که آسمان ها را می گستراند اش ۲۴:۴۴
و زمین را بنیاد می نهد
و روح انسان را در درون او شکل می دهد.
اینک من از اورشلیم جام سرگیجه برای
تمام قوم های اطراف خواهم ساخت^۱، و این
برای یهودا نیز خواهد بود آن هنگام که

بگسلم^a. ۱۱ آن (عهد) در آن روز شکسته
شد، و تاجران^b گوسفند که مرا مشاهده
می کردند، دانستند که در آنجا سخنی را
یهوه گفته بود^c.

۱۲ به ایشان گفتم: «اگر به نظر شما پسند
می آید، اجرت مرا به من بدهید؛ اگر نه،
مت ۱۵:۲۶ کاری در این مورد نکنید». ایشان اجرت
مرا وزن کردند: سی [پاره] نقره^d. ۱۳ یهوه
مرا گفت: «آن را در خزانه^e بینداز، این
بهای عالی را که ایشان مرا با آن ارزش
گذارند». آن سی [پاره] نقره را برداشتم
و آنها در خانه یهوه، به خزانه انداختم.
مت ۱۰-۳:۲۷
۱۴ سپس چوبدست دوم خود، «پیوند» را
شکستم، تا برادری را میان یهودا و اسرائیل
بگسلم^f.

۱۵ یهوه مرا گفت: «بار دیگر تجهیزات
چوپانی نادان را برای خود تهیه کن^g.
۱۶ زیرا اینک چوپانی در سرزمین بر خواهم
انگیخت: گوسفندی که ناپدید شود، او
برای آن دغدغه ای نخواهد داشت؛ آن را که
گم شود^h، نخواهد جست؛ آن را که زخمی

a منظور نوعی معاهده ضمنی با قوم های بیگانه است تا اسرائیل را به حال خود رها کنند. اندیشه ای مشابه در هو ۲:۲۰ و ار ۲:۳ مشاهده می شود. نقش نبی و خداوند در بیان این مطالب بدون عبارات انتقالی تداخل می یابد.

b ر.ک. توضیح آیه ۷.

c حرکت نمادین نبی به اندازه گفتاری صریح پرمفهوم است.

d این اجرتی است مضحک، یعنی بهای بازخرید یک برده (خروج ۲۱:۳۲): این حرکت بسیار کفرآمیز است و بیانگر تمسخری است که بزرگان برای عمل الهی داشتند.

e قرائت عبری: «کوزه گر» ر.ک. اش ۲۹:۱۶؛ ۴۱:۲۵؛ ار ۱۸:۲ به بعد؛ مرا ۴:۲؛ مز ۲:۹. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه سریانی. در مورد «خزانه» که بخشش ها و هدایای مؤمنین به آنجا آورده می شد، ر.ک. ۱- پاد ۷:۵۱؛ ۲- مک ۳:۶، ۱۰؛ ۴:۴۲؛ ۵:۱۸؛ مر ۱۲:۴۱، ۴۳؛ لو ۱:۲۱؛ یو ۸:۲۰.

f گسستن این برادری ممکن است مربوط شود به جدایی قطعی میان جامعه اورشلیم و جامعه سامره به واسطه بنای نفاق انگیز معبدی بر کوه جریزیم به سال ۳۲۸ ق.م. این گسستگی به رؤیای اتحاد تمامی اعضای قوم قدیمی خدا پایان می بخشید (هو ۲:۱-۲؛ حزق ۳۷:۱۵-۲۸؛ ار ۳:۱۸).

g از آنجا که تجهیزات خاصی برای چوپانی بد وجود نداشت، این فرمان به گونه ای نمادین ظهور رهبری بد را اعلام می دارد.

h قرائت عبری: «پسر». اصطلاحی کوچک سبب می شود که آن را «گم شدن» بخوانیم.

i «جامی» که به یک شهر یا به یک قوم داده می شود تا بنوشد، نماد مجازاتی است که ناشی از خشم خداوند است (اش ۵۱:۲۲؛ ار ۲۵:۱۵؛ حب ۲:۱۶).

شخص ساکن در اورشلیم از جلال یهودا فراتر نباشدⁿ.^۸ در آن روز، یهوه ساکنان اورشلیم را محافظت خواهد کرد، و آن کس که در میان ایشان تلوتلو می خورد، در آن روز، همچون داود خواهد بود، و خاندان داود همچون خدا خواهد بود، همچون «فرشته» یهوه در برابر ایشان.

^۹ در آن روز، واقع خواهد شد که اقدام به نابودی تمامی ملت‌هایی خواهیم کرد که بر علیه اورشلیم می‌آیند.^{۱۰} بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روحی از فیض و استغاثه^o خواهیم ریخت و ایشان به من نگاه خواهند کرد. اما در خصوص کسی که او را سوراخ کرده اند^p، برای او نوحه خواهند سرایید، آن سان که برای پسر یگانه نوحه می‌سرایند؛ برای او به تلخی خواهند گریست، آن سان که برای نخست زاده به تلخی می‌گیرند.^{۱۱} در آن روز، نوحه سرایی در اورشلیم عظیم خواهد بود، به سان نوحه هدد - رمون در دشت مجدون^q.^{۱۲} سرزمین نوحه سرایی خواهد کرد، هر طایفه جدا:

یو ۱۹:۳۷؛
مکا ۷:

تث ۱۸:۲۰

طایفه خاندان داود جدا^r،

اورشلیم را محاصره کنند^j.^۳ در آن روز واقع خواهد شد که از اورشلیم سنگی برای برداشتن برای تمامی قوم‌ها خواهیم ساخت. جمله آنان که آن را بردارند، به سختی سلاخی خواهند شد، و تمامی ملت‌های زمین بر علیه آن گرد خواهند آمد.^۴ در آن روز - وحی یهوه - تمامی اسبان را به حیرت مبتلا خواهیم ساخت و سوارانشان را به بی‌عقلی؛ اما بر خاندان یهودا چشمان را خواهد گشود^k، و تمامی قوم‌ها را به کوری مبتلا خواهیم ساخت.^۵ و بزرگان یهودا در دل خود خواهند گفت: «قدرت برای ساکنان اورشلیم^l در یهوه لشکرها، خدای ایشان، می‌باشد.»^۶ در آن روز، بزرگان یهودا را همچون منقلی مشتعل در توده‌ای از چوب خواهیم ساخت، همچون مشعلی مشتعل در بافه‌ها، در راست و چپ تمامی قوم‌های اطراف را خواهند درید، در حالی که اورشلیم هنوز در مکان خود مسکونی خواهد بود، در اورشلیم^m.

^۷ یهوه اول خیمه‌های یهودا را نجات خواهد داد تا جلال خاندان داود و جلال

j درک متن عبری دشوار است. تأکید بر این واقعیت است که تمام یهودا در پیروزی پایتخت شراکت خواهد جست.

k این عبارت که در مورد یهودا است، با ابتدای آیه ۵ سازگارتر می‌بود.

l تحت اللفظی: «برای من ساکنان اورشلیم...» حذف حرفی که به طور تصادفی تکرار شده، قرائت ما را به دست می‌دهد که منطبق است با ترجمه آرامی.

m این تکرار «در اورشلیم» در برخی از نسخ خطی وجود ندارد.

n گویا میان اورشلیم پایتخت و مناطق دیگر یهودا گاه نوعی تخاصم وجود داشته است. نویسنده از این امر استفاده می‌کند تا اورشلیم را به فروتنی فرا خواند. خدا اول مناطق باز و بدون حفاظ را آزاد خواهد ساخت، و بعد پایتخت حصاردار را.

o اشاره به تحولی است درونی که در انسان حالت اعتماد و باز بودن به روی خدا را به وجود می‌آورد.

p بعضی چنین ترجمه می‌کنند: «... به من نگاه خواهند کرد، به کسی که سوراخش کرده اند» اما چنین ترجمه‌ای درست به نظر نمی‌رسد.

q اشاره به مراسم سوگواری‌ای است که هر ساله به افتخار خدای فنیقی، هدد - رمون برگزار می‌شد (حزق ۸:۱۴). هدد - رمون خدای گیاهان بود که در پایان فصل درو می‌مرد و در آغاز فصل باران دوباره زنده می‌شد. این مراسم ظاهراً در مجدون، واقع در دشت یزرعیل، با اهمیت خاصی برگزار می‌شد.

r یکی از پسران داود (۲- سمو ۵:۱۴؛ ر.ک. لو ۳:۳۱). این متن تمام خاندان‌های جامعه را از نظر می‌گذراند که در رأس آن، به اعقاب خاندان سلطنتی و اعضای خاندان لایوان اشاره می‌کند.

آورده اند، به او خواهند گفت: «نخواهی زیست، زیرا آنچه به نام یهوه بیان کردی، دروغ است!» و پدرش و مادرش که او را به دنیا آورده اند در حینی که نبوت می کند، او را سوراخ خواهند کرد. ^۴ و واقع خواهد ^ع ۱۴:۷۴ شد، در آن روز، که انبیا هر یک، در حینی که نبوت می کنند، از رؤیای خود خجالت خواهند کشید، و دیگر عبا^۷ پشمین^۷ برای دروغ گفتن بر تن نخواهند کرد؛ ^۵ بلکه [هر یک] خواهد گفت: «من نبی نیستم؛ من مردی هستم که زمین را کشت می کند؛ زیرا که دارایی من از جوانی ام، زمینی می باشد ^۸». ^۶ و اگر به او بگویند: «این زخم ها در میان دستانت ^۹ چیست؟» خواهد گفت: «اینها زخم هایی است که در خانه کسانی که دوستم دارند ^{۱۰} برداشته ام».

تجدید شدن عهد

^۷ ای شمشیر، بر علیه چوپان من بیدار شو ^ز و بر علیه مردی که به من نزدیک است - وحی یهوه لشکرها!
چوپان را بزن و بادا که گوسفندان اش ^۱ ۲۵:۱ پراکنده شوند.

و زناش جدا؛
طایفه خاندان ناتان جدا،
و زناش جدا؛
^{۱۳} طایفه خاندان لاوی جدا،
و زناش جدا؛
طایفه شمعی جدا،
و زناش جدا؛
^{۱۴} تمام طایفه های باقیمانده، هر طایفه جدا،
و زناش جدا ^{۱۵}.

حز ۱:۴۷ **۱۳** در آن روز، چشمه ای گشوده برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم برای گناه و برای نجاست وجود خواهد داشت ^۱. اش ۲۵:۳۶

نابودی بت پرستی و انبیای دروغین

^۲ واقع خواهد شد، در آن روز - وحی یهوه لشکرها - که نام بت ها را از سرزمین بر خواهم کند و دیگر ذکری از آنها به میان نخواهد آمد؛ و نیز انبیا و ناپاکی ^{۱۱} را از سرزمین اخراج خواهم نمود. ^۳ و واقع خواهد شد که اگر کسی بار دیگر نبوت کند، پدرش و مادرش که او را به دنیا

S اشاره مشخص به طایفه ها و زناشان احتمالاً مربوط می شود به ترتیبات اجرای آیین ها.

t این تطهیر از عواقب قتل وحشیانه آن شخص اسرارآمیزی است که او را سوراخ کردند (۱۰:۱۲).

u منظور انبیای دروغین و ناپاکی ناشی از آنان، یعنی بت پرستی ای است که رواج می دهند.

v جامه متمایز کننده انبیا (۲. پاد ۸:۱؛ مت ۴:۳).

w قرائت متن عبری: «مردی مرا از جوانی ام خریده است». ترجمه های قدیمی نیز در برگرداندن این آیه تردید داشتند. با تغییر یک حرف بی صدا، معنایی به دست می آید که ما به کار برده ایم و با مضمون متن سازگارتر است.

x احتمالاً منظور «میان بازوان (یعنی سینه)» می باشد. در حین بعضی از مراسمی که به افتخار خدایان حاصل خیزی برگزار می شد، شرکت کنندگان بدن خود را زخمی می کردند (لاو ۵:۲۱؛ تث ۱۴:۱؛ پاد ۲۸:۱۸؛ ار ۷:۵).

y منظور خدایان دروغین است (ر.ک. هو ۷:۲، ۹، ۱۲؛ حزق ۳۳:۱۶)، به همین جهت در برخی از ترجمه ها به جای «کسانی که دوستم دارند» چنین می آورند: «در خانه عاشقانم» این نبی دروغین، که در مقابل سؤالاتی که از او می پرسند در تنگنا قرار گرفته، بالاخره به روش های گناه آلود خود اعتراف می کند.

z این بخش که در مورد چوپان است، در طرح فعلی کتاب حالتی منزوی دارد. این بخش می توانست نتیجه گیری تمثیل مذکور در فصل ۱۱ را تشکیل دهد.

و من دست خود را علیه کوچکان باز
خواهم آورد^a.

^۸ و واقع خواهد شد که در تمام سرزمین

- وحی یهوه -

حز: ۱:۵-۴ دو سوم از آنجا برکنده شد، هلاک
خواهند شد،

و یک سوم در آنجا باقی خواهد ماند.

^۹ و این یک سوم را وارد آتش خواهم ساخت

و ایشان را تصفیه خواهم کرد، آن گونه
که نقره را تصفیه می کنند،

ایشان را آزمایش خواهم کرد، آن گونه
که طلا را آزمایش می کنند.

او نام مرا خواهد خواند،

و من او را اجابت خواهم کرد؛

من خواهم گفت: این قوم من است!

و او خواهد گفت: «یهوه، خدای من^b!»

۸:۸
هو: ۲:۵

برقراری قطعی پادشاهی خدا

۱۴ ^۱ اینک برای یهوه روزی می آید که
در آن غنائم تو در میان^c تقسیم
خواهد شد. ^۲ من تمامی ملت ها را به سوی

اورشلیم برای نبرد گرد خواهم آورد. شهر
گرفته خواهد شد، خانه ها غارت خواهد
گشت و زنان مورد تجاوز قرار خواهند
گرفت. نصف شهر به تبعید خواهد رفت،

اما بازمانده قوم از شهر برکنده نخواهد
شد. ^۳ آنگاه یهوه بیرون خواهد آمد و با این

ملت ها خواهد جنگید به سان روزی که

می جنگد، در یک روز نبرد. ^۴ در آن روز،

پای های او بر کوه زیتون قرار خواهد گرفت
که در مقابل اورشلیم، در شرق، می باشد.

کوه زیتون به سوی مشرق و به سوی مغرب

به شکل دره ای عظیم، از میان شکافته
خواهد شد: نصف کوه به سوی شمال کنار

خواهد رفت و نصف دیگر به سوی جنوب^d.

^۵ و دره کوه های من از جوعت تا یاصول^f

مسدود خواهد شد^e؛ مسدود خواهد شد آن

گونه که به سبب زمین لرزه مسدود شد، در

روزگار عزریا، پادشاه یهودا. و یهوه، خدای یهودا^{۱۴}

من، خواهد آمد، و تمامی مقدسان با او^g.

^۶ در آن روز واقع خواهد شد که دیگر سرما

و یخبندان^۱ نخواهد بود^h. ^۷ روزی منحصر

a حتی کوچک ترین افراد که ممکن بود بتوانند ادعای بی گناهی کنند، رهایی نخواهند یافت. تمام قوم به یکدیگر وابسته و یکی هستند.

b این فرمولی است سنتی برای به یاد آوردن انعقاد عهد (هو ۲:۲۵؛ ار ۳۱:۳۳؛ حزق ۲۴:۳۴، ۳۰؛ زک ۸:۸).

c منظور در میان اورشلیم است.

d این واژگونی ها و دگرگونی ها به شکلی پرشکوه مداخلت حاکمانه خدا را برای داوری نهایی توصیف می کند (یول ۳:۳-۴؛ مت ۲۴:۲۹-۳۱).

f احتمالاً ناحیه ای کوچک واقع در وادی قدرون، در جنوب اورشلیم.

e بخش عمده این آیه (از ابتدا تا «روزگار عزریا») بر اساس متن یونانی ترجمه شده است. متن عبری آن این چنین قرائت می کند: «از دره کوه های من خواهید گریخت، زیرا دره کوه ها به اصل خواهد رسید؛ خواهید گریخت آن سان که به سبب زمین لرزه گریختید». «جوعت» (ار ۳۹:۳۱) احتمالاً در تقاطع دره های هنوم و قدرون واقع بود.

g تحت اللفظی: «تمامی مقدسان با تو» منظور موجودات آسمانی هستند که در کتاب مقدس گرداگرد تخت خدا می باشند (پید ۱۲:۲۸؛ ایوب ۱:۶).

h قرائت عبری: «نور اشیاء قیمتی منقبض خواهد شد». ما، مانند ترجمه های قدیمی، تغییر اندکی در حروف بی صدا وارد کرده ایم و چنین ترجمه ای به دست داده ایم. به این ترتیب، معنای متن رضایت بخش تر می نماید. منظور این است که شرایط اقلیمی به شکلی آرمانی در خواهد آمد.

i عبارت «دیگر سرما و یخبندان نخواهد بود» حاصل اصلاحی است که بر اساس قرائت های یونانی و سریانی وارد متن کرده ایم.

زبان‌شان در دهانشان.^{۱۳} در آن روز، واقع خواهد شد که نزد ایشان اضطراب عظیم حز ۲۱:۳۸ یهوه وجود خواهد داشت؛ هر کس دست یار خود را خواهد گرفت و یکی دست خود را بر علیه دیگری بلند خواهد کرد.^{۱۴} یهودا نیز در اورشلیم جنگ خواهد کرد، و حز ۱۰:۳۹ ثروت‌های تمامی ملت‌های اطراف را انباشته خواهند ساخت، طلا و نقره و جامه به مقدار عظیم.^{۱۵} و به همین سان خواهد بود مصیبت اسبان و قاطران و شتران و الاغان و تمامی حیوانات که در این اردوگاه‌ها خواهند بود، مصیبتی همچون آن مصیبت^m!

^{۱۶} و واقع خواهد شد که تمام آنان که از همه ملت‌هایی که بر علیه اورشلیم آمده‌اند ۹:۱۴ باقی مانده‌اند، سال به سال بر خواهند آمد تا در برابر پادشاه یهوه لشکرها سجده کنند و عید خیمه‌هاⁿ را جشن بگیرند.^{۱۷} واقع خواهد شد که اگر یکی از خانواده‌های زمین به اورشلیم بر نیاید تا در برابر پادشاه یهوه لشکرها سجده کند، بر آن باران نخواهد بود.^{۱۸} اگر خانواده مصر بر نیاید و حضور نیابد، بر او مصیبتی خواهد بود که یهوه با آن ملت‌هایی را خواهد زد که برای

به فرد خواهد بود - یهوه این را می‌داند - نه شب خواهد بود، نه روز، اما واقع خواهد شد که شب هنگام روشنایی خواهد بود.^{۱۹} در آن روز واقع خواهد شد که آب‌های زنده از اورشلیم بیرون خواهد آمد، نیمی به سوی دریای شرقی و نیمی به سوی دریای غربی؛^{۲۰} در تابستان همان سان خواهد بود که در زمستان.^{۲۱} یهوه بر تمام زمین پادشاه خواهد شد؛ در آن روز، یهوه منحصر به فرد خواهد بود و نامش منحصر به فرد.^{۲۲} تمام سرزمین تبدیل به دشت خواهد شد، از جبع تا رمون، در جنوب اورشلیم.^k و اورشلیم در جای خود رفیع و مسکونی خواهد شد، از دروازه بنیامین تا مکان دروازه قدیمی، تا دروازه زاویه‌ها، و از برج حننیل تا چرخشت‌های پادشاه.^۱ در آنجا ساکن خواهند شد و دیگر لعنتی نخواهد بود، و اورشلیم در امنیت ساکن خواهد شد.^{۲۳}

^{۱۲} و اینک مصیبتی که یهوه تمامی قوم‌هایی را که علیه اورشلیم جنگ کنند، با آن خواهد زد: در حینی که ایستاده، سر پا خواهند بود، گوشتشان را خواهد پوساند؛ چشمانشان در حدقه خواهد پوسید و

ژ این بازگشت است به حاصلخیزی بهشت (حزق ۴۷:۴؛ یول ۱۸:۴). این دو دریا ممکن است یکی دریای مدیترانه و دیگری دریای مرده باشد که آبش تبدیل به آب حاصل‌خیز خواهد شد.

k «جبع» در حدود ده کیلومتری شمال اورشلیم، بر سر حد میان یهودا و بنیامین (۱-یاد ۱۵:۲۲؛ ۲-یاد ۲۳:۸). «رمون» در منطقه بئرشیع، به سوی سر حد جنوبی یهودا (یوشع ۱۵:۳۲؛ ۱-توا ۴:۳۲). به این ترتیب، دگرگونی پیش‌بینی شده شامل حال تمامیت مملکت قدیمی یهودا می‌گردد.

l این دو محور، یعنی محورهای شرقی - غربی و شمالی - جنوبی مربوط به گستره شهر در زمان نحمیا می‌گردد. این گستره آرمانی‌ای است که باید گستره اورشلیم معادشناختی باقی بماند.

m این آیه دنباله منطقی آیه ۱۲ می‌باشد.

n در روزگار نویسنده، «عید خیمه‌ها» تبدیل به محبوب‌ترین عید سال شده بود (نح ۸:۱۳-۱۸). این عید که در پاییز، در پایان سال کشاورزی برگزار می‌شد، در آغاز عید سپاسگزاری بود (نوض خروج ۲۳:۱۶؛ تث ۱۶-۱۳-۱۵). این عید به تدریج معنایی جدید به خود گرفت و بیانگر حاکمیت خدای خالق و پادشاهی او بر جهان نیز گردید.

جشن گرفتن عید خیمه‌ها بر نمی‌آیند.
 ۱۹ چنین خواهد بود تنبیه مصر و تنبیه
 تمامی ملت‌هایی که برای جشن گرفتن عید
 خیمه‌ها بر نیایند.
 ۲۰ در آن روز، بر روی زنگوله‌های اسبان
 این خواهد بود: «وقف شده به یهوه» و
 دیگرچه‌ها در خانه یهوه همچون جام‌های

پاشیدن در مقابل قربانگاه خواهد بود. ۲۱ و
 هر دیگرچه‌ای در اورشلیم و در یهودا به یهوه
 لشکرها وقف خواهد شد: تمام آنان که
 قربانی خواهند کرد خواهند آمد تا از آن یو: ۲: ۱۶
 برگیرند و در آنجا پخت و پز کنند^۰، و
 دیگر تاجری در خانه یهوه لشکرها نخواهد
 بود، در آن روز.

۰ در سرزمین مقدس جدید، تمام واقعیت‌های غیرمذهبی جزئی از عرصه الهی به شمار خواهد آمد.